



نشریه مجاهدین خلق ایران

مجاهدین خلق ایران
بازهم هواداران خود را به
رعایت آرامش و خویش
داری انقلابی فرامیخوانند

پیام برادر مجاهد
موسی خیابانی
به خلق قهرمان تبریز

بنام خدا

یکم در صفحه

هشتمین قهرمان، مردم دایر تبریز

سال اول - شماره ۲۴ - منتهی ۲۰ بهمن ماه ۱۳۵۸ - شماره ۱۵ ریحان

یکم در صفحه

سرمقاله:

انتخابات، اوج گیری مجدد شگردهای ارتجاعی

پدر لاقانی:

... میدانم چرا نگرندند .
 هنوز در مجلس خبرگان بحث میکنند در این
 اصل اساسی قرآن (شورا) که به چه صورت
 پیاده بشود . باید ؟ شاید ؟ آیا اینکه
 می توانند ؟ ...
 مگر در سند که این شورای نیم بند تشکیل
 شد ضروری بجایی رسید ؟
 میگویند آقا شما چرا این مسایل را در میان
 توده مردم مطرح میکنید آیا نیت در
 مجلس خبرگان ، میگویم بین موکلین شما
 من مطرح میکنم .
 خود را بی و خود خواهی را کنار بگذارید ،
 گروه گرایی و فرصت طلبی و تحمیل عقیده
 و یا خدای نخواسته استبداد زیر پرده دین
 را کنار بگذاریم و بیاییم با مردم .

چرا آنهایی که بر سر قدرت می توانستند شورا یی عمل کنند نگرندند . . .

بروزی و وقاحت و دردی اترجاج خود مردم نمی شناسد . بویژه آنکه که در
 آستانه زوال تاریخی و سقوط سیاسی اشکار باشد . بویژه وقتی پای میلیاردها
 تومان حیف و میل و سوءاستفاده و خامه خرجی در آنچه خود اترنا نهادهای
 خودجوش (نظیر بنیاد مستضعفین) می نامد در میان باشد . بویژه آنکه که
 انتخاباتی سرنوشت ساز پیش روی افراد داشته باشد .
 انتخابات ریاست جمهوری برای هر ناظر بی طرف دو نتیجه بسیار مهم را
 گواهی می داد . نتایجی وابسته به هم و نتایجی همچون دوروی یک سکه :
 ۱ - رسوایی "تروم" ۱ گریبان پوشالی که پوسته مدعی تولیت در صد
 بسیار عظیمی از گناه بودند .
 ۲ - استقبال بی نظیر توده های مردم در سراسر کشور از نیروها و رهبری
 راستین انقلابی که البته در نیمه راه آلاچار از دور مبارزه انتخاباتی کنار
 کشیدند . همانها که خط انقلاب را نه از طریق هویز و سپهد مقدم و بختیار و
 سولیان ، بل از میان آتش و خون و شکنجه پیش برده بودند . چه کسی نمیداند
 که اندامها رشبان غاصب ، همان عاقبت حیوان و "سپاس" متدیان دنیوی رژیم شاه
 که اکنون قصد آن کرده اند که در پشت میز مذاکره سازشکارانه با هویز و
 سولیان "خون شهدار" به ثمر برسانند " از هیچ توطئه و خنایاتی برای لگد مال
 کردن خون شهدان و منجمله شهیدان مجاهدین خلق ایران ، طی این مدت
 فروگذار نگردند .

گزارشی از:

راهپیمائی ها و ورژه میلیشیای در شهرهای استان مازندران

بنام خدا

بنام خلق قهرمان ایران

ما قیام ۲۲ بهمن خود تجربه بزرگی
 بود زیرا بجای اینکه منتظر سازشکاران
 بماند و چشم بدهان این و آن بدوزد
 خود اسلحه بدست گرفت و خروشان و
 سهمگین بر سر دشمنانش فرود آمد .
 باز از این قیام آموخت که در هر
 انقلاب توده ای مهمترین نقش تعیین
 کننده را مردم دارند ، مردمی آگاه ،
 بسیج شده و متحد ، بخصوصی که این
 ویژگیها در الهام بخشی ، نظر امام
 تشریح یافته اند . و تنها زمانی پیروزی
 واقعی را بدست می آورند که همگی با
 هم بجای خیزند و مبارزه کنند . و
 پیروزیها نیز زمانی تداوم دارند که باز
 تمامی خلق به حفظ دستاوردها و
 استمرار مبارزه اقدام کنند . آنچه نه
 بطور پراکنده و خود بخودی بلکه
 سازمان یافته و منظم ، در این میان
 طبیعتا نقش بسزنی که مسئولیت امور
 را بر عهده می گیرد از اهمیت ویژه ای
 برخوردار است . . . و این همان
 ملیشیا ، باجرگه های مستعد است . اما بهر
 حال - این نیروهای انقلابی مردمی
 هستند که با شکل و بسج هممانه
 درجا زدن و تن به شرایط دادن ، از
 گذشته تجربه می اندوزند و با عزمی
 حکم و استوار راه آینده را می بینند .
 تجربیاتی که اگر بهای لازم به آنها
 ندهیم بی تردید خون هزاران شهید
 را هدر دادیم . بی المثل برای خلق

امروزه جوانان پرشور و انقلابی
 ما که در کوران انقلاب آیدیده شده اند
 تحقق آرزوها و اهداف مکتبی خود را
 در وجود ملیشیا می بینند . آنها
 خوب می دانند که یک مبارز مکتبی
 هرگز یک مرحله از مبارزه را با پایان
 مبارزه تلقی نکرده و برعکس با
 اشتیاق هر چه بیشتر به مرحله بعدی
 قدم می گذارد . با پایان یافته تلقی
 کردن مبارزه فقط برای کسانی است
 که صرفا برای منافع خود و برای
 موهوم چینی از خون شهدا وارد صحنه
 می شوند . و همینکه به هدفهای خود
 دست یافتند ، بی توجه به تمامی ارزش
 های انقلابی و آرمانهای انقلابی و
 مردمی . . . به حفظ موهومتهای باد
 آورده خویش دلخوش می کنند . یک
 مجاهد خلق و یک انقلابی واقعی
 در هر مرحله از مبارزه ، هدفهای بلند
 مدت و ارزشهای متعالی مکتب را مد
 نظر فراموشی ندهد . و بهمین دلیل بجای
 درجا زدن و تن به شرایط دادن ، از
 گذشته تجربه می اندوزند و با عزمی
 حکم و استوار راه آینده را می بینند .
 تجربیاتی که اگر بهای لازم به آنها
 ندهیم بی تردید خون هزاران شهید
 را هدر دادیم . بی المثل برای خلق



تحصن پرسنل انقلابی ارتش در مسجد دانشگاه تهران

نگاهی بر حرکت و تحصن اخیر در جبهه داران

آنها یی که فرودگاه را برای ورود امام بستند، حالا
فرماندهان ارتش شده اند و پیر سنل مبارز مسلمان
را بجرم ضد انقلاب باز آتش خراج می کنند .

پس از گذشتن قریب یکسال از
 انقلاب ، شاهد طرح دوباره ساله
 ارتش در جامعه هستیم . در این یکسال
 جز اعلامیه ها و اطلاعیهای ستاد
 ارتش ، کتر خبری از اوضاع و احوال
 درونی ارتش در حلق جامعه ننشک
 شده . اگر چه گاه و بگاه در لایزال
 صفحات روزنامه ها . . . اخباری که
 حاکی از ناراضیهای پرسنل و افتار
 با پشتیبانی ارتش بود ، چشم بخورد ، که
 تا حدودی با شای ترسیم شده از
 جانب دست اندکاران اختلاف داشت
 ولی در روز بزرگداشت قیام بهمن ماه ،
 نظارتهای و راهبانیهای پرسنل ارتش
 در خیابانها ، خاطره روزهای انقلاب
 یکم در صفحه ۷

دانشگاه و انقلاب (۱۳)

وظایف دانشجویان انقلابی در قبال اقشار و طبقات اجتماعی

دست در همین نقطه سوال
 بسیار اساسی پس چه باید کرد مطرح
 میشود و از همین جا مشکلات ما آثار
 میگردد .
 نقش دانشجو در قبال کارگران ،
 طبقة دانشگاه و در مقابل مشکلات
 فرهنگی مدارس ، عملکرد دانشگاه در
 تحقق دموکراسی و شیوه صحیح
 برخورد با جریانیها و نیروهای
 مختلف اجتماعی و مخصوصا در داخل
 دانشگاه . . . که باید با باری خدا با
 هم مورد بررسی قرار دهیم .
 این آخرین پاراگراف از اولین
 مقاله دانشگاه و انقلاب بود . ما را
 سلطه مملات گذشته تا آنجا که مقدر
 بود برخی از این مشکلات را مورد
 بررسی قرار دادیم ، تا حدی رابطه
 نیروهای داخلی دانشگاه با یکدیگر و
 نیز چگونگی برخورد اصولی با
 جریانیهای اجتماعی را مطالعه کردیم ،
 و تلاش کردیم که این مسائل را در
 ضمن بررسی مسائل سیاسی روز تجربه و
 تحلیل کنیم . تا اینکه بالاخره
 در آخرین شماره بطور کلی رابطه
 دانشجویان و سازمانهای دانشجویی را با
 یکدیگر در قبال ساله جبهه واحد ضد
 امپریالیستی مورد بررسی قرار دادیم .
 اکنون بنظر می رسد بدلائل
 گوناگون مستقیم به برخی دیگر از
 مشکلاتی که در اولین مقاله و مقدمه بررسی
 آنها را داده بودیم ، بپردازیم . یعنی
 چگونگی برخورد دانشجویان انقلابی
 با اقشار و طبقات اجتماعی و در این
 همه آنها طبقه کارگر . بدون شک اگر
 دانشجویان متحد و منسجم
 دانشجویان انقلابی به این وظیفه
 اساسی نپردازند در واقع نقش اساسی
 روشنفکر که همانا بردن ایدئولوژی
 انقلابی به میان توده های روشنفکر و
 مخصوصا کارگران است که بدون فراوانی
 سرده شده و چرا که بدون پیوستن
 جویبار روشنفکران به دریای خروشان

مفهوم صلاحیت از دیدگاه علی (ع)

علی با بیان ویژگیهای رهبران نا صالح ، خصوصیات رهبری انقلابی را نتیجه میگیرد

هدایت و عصر ۸۴ (بشار)
 بطور کلی عنصر صلاحیت ، حاکم خاص
 دارد ، کالیبتکه در بررسی تجارب
 سازمان انقلابی ماسور و ارسله مبارزه
 خلق خودمان (طی آلهای قبل از
 تولد حبش نبین انقلابی) نیز کتر
 موردی می توان یافت که در تحلیل
 علی شکستهای انحرافات و بی
 بسطها ، بنحوی پای عنصر رهبری و
 معضها و عدم کالیتهای رهبران
 سیاسی همان نباید (صرف نظر از
 بررسی شرایط و زمینه های معینی) بی
 جهت نیست که در قرآن (و همچنین
 نهج البلاغه) تشریحات و تمثیلهای
 متعددی در این مورد آمده و در
 همه آنها روی صلاحیت و عمل
 یکم در صفحه ۹

در صفحات دیگر:

- اعتراضات
هواداران مجاهدین به
روزنامه جمهوری اسلامی
- گزارشی از راهپیمایی
میلیشیا مازندران
- گزارشی از سیل خوزستان
- در گنبد چه گذشت ؟
- شیوه تهیه گزارش کارگری
- تحلیلی بر کفر فراس پاکستان
- و مسئله افغانستان
- جنبش اتحادیه ای
- دردهای یک درجه دار
- یاد شهدان را گرامی
بداریم
- اخلاق انقلابی

یکم در صفحه ۹

یکم در صفحه ۹

شیوه تهبه گزارش کارگری:

در بحبوحه قیام یک گزارش واقع بینانه از اعتصاب کارگران نفت نیروی تازه ای را در کالبد انقلاب خلق می دمید

در شیوه تهبه گزارش روستایی (مجاهد ۲۱) توضیح دادیم که "بدون شناخت صحیح از شرایط و تحولات اقتصادی - اجتماعی و... و حرکت و موضع گیری درست مبنی بر "سپس گفتیم که برای شناخت یک پدیده، قبل از هر چیزی بایستی به یک چارچوب فکری انقلابی مسلح باشیم.

اکنون یادآوری می شود که برای شناخت طبقه کارگر بایستی اسرار بیشتری بر عرایب نکات فوق الذکر داشته باشیم. چرا که در شرایط کنونی و محروم ترین نیروهای اجتماعی، نقش تعیین کننده ای در پیروزی جنبش ضد امپریالیستی و ضد استشاری خلق بعهده دارند.

اگر تگاهی به اعتصابات فرهمانه کارگران نفت و نقش آن در تسریع زوال دیکتاتوری پهلوی بدانیم، اگر بیاد بیاوریم که در بحبوحه قیامهای خونین اخیر و وقتی خبر شکست شدن جنبش کارگران نفت تکذیب می شد چند مردم خوشحال می شدند و چگونه برای تحمل سرمای شدید زمستان انگیزه می گرفتند، آنوقت میزان اثر پذیری کل جنبش خلق را از جنبش کارگری بهتر می شناسیم. حال تصور کنید اگر این خبر سوبله اخبار دیگری تکمیل شده و یک گزارشی با تحلیلی گویاتر (از حسی بودن ادامه و پیوسته کارگران و شکست اتحاد رژیم، سرمایه داری وابسته و سرمایه داران لیبرال را در حاشیای اعتصابات کارگران با می داد چه شوری پیدا می کردیم.

بسیار است که گزارشی واقع بینانه از وضعیت شرکت نفت می توانست نیروی تازه ای را در کالبد انقلاب خلق بدمد. در واقع این نمونه صدا نمونه دیگر از تاثیرات شگرف کارگران در ارتقا، جنبش خلق، باینتر اهمیت نقش تاریخی آنان است. اعتقاد به نقش تاریخی ویژه ای که کارگران در پیشبرد انقلاب ضد امپریالیستی و استمرار آن در جهت نفی استعمار دارند از یکطرف، و رسالت اعتبار آگاه در برقراری پیوند ضروری اجزای وابسته و مختلف جنبش سراسری ضد امپریالیستی از طرف دیگر ما را بر آن داشته تا در این محله و مهدها و سولات و درخواستهای مکرر، مبنی بر ارائه یک طرح تهبه گزارش کارگری باشد که به مردم

استفاده شود. مثلا جمع شدن دم درب کارخانه هنگام اتمام کار کارگران و خارج شدن آنها از کارخانه برای رفتن به خانه هایمان و یا حتی سرزدن به خانه و یا باختر زدن در طول خیابان و... زیرا در هیچ شرایطی نباید تماس با کارگران محروم قطع گردد. اما بعد از ورود به کارخانه و برقرار کردن تماس فعال، ارتباط با کارفرمایان و با کارگران کارگران مخصوصا محرومترین آنها، دیدن محیط کار و... تک زبانه به شناخت ما از کارخانه می کند.

گلی ترین مسأله ای که در هر کارخانه با کارگاهی میبایستی در نظر گرفت عبارتست از:

الف - تلاش و کوشش کارگران برای نفی سرمایه داری وابسته و قطع سلطه امپریالیسم که عمدتا با اخراج سرمایه دار وابسته از کارخانه شروع و با طی مراحل به صادره می نهند سرمایه او ختم می شود. ولی نه آن گزارشی که سدی است در مجاهد شماره ۱۹ و با کش وین در شماره ۱۸ و شرکت استکو در شماره ۱۷.

ب - مبارزه جهت ایجاد تشکلات کارگری که در این آن شورا و اتحادیه شوراها قرار دارد و با مقابله با تشکلات فرمایشی که توسط کارفرمایان ایجاد شده، نمونه آن شرکت استکو در شماره ۱۷.

جهاد شماره ۱۳، کورمپشنها در شماره ۱۵ و گزارش از کارگران میدان در شماره ۲۱ و ۲۲ می باشد. در گزارش اخیر روزنامه بودن کارگران و نداشتن هیچکدام از مزایای کارگری از قبیل حق سکن و اولاد مطرح شده است.

ضمن آرزوی موفقیت برای کتبه خواهران و برادران که با تهبه گزارش ما را باری خواهند داد، لازم است، متذکر شویم که مطالب و اطلاعاتی که برای ما می فرستید در صورتی هم که در نشریه چاپ نشود، بدون شک به طرق مختلف مورد استفاده قرار خواهد

- ۱- مشخصات کارخانه
- الف - آدرس و محل کارخانه، سال تاسیس، توسعه و گسترش که کارخانه پس از تاسیس تاکنون داشته است سرمایه داران، سرمایه کنونی (تقریبی)، بخشهای مختلف کارخانه و تعداد کارکنان هر قسمت.
- ب - مالکیت کارخانه (خصوصی دولتی، وابسته، شرکتی).
- ج - طرز تهبه مواد اولیه (از خارج یا داخل) و مشخص کردن میزان بچهدگی ابزار تولید و وابستگی که به خارج دارند، میزان مواتر بودن تولید.
- د - شکل فروش محصولات (با چند واسطه بدمت مصرف کننده می رسد؟) تعیین قیمت که اجناس در این جریان پیدا می کنند.
- ه - شرایط کار، سختی کار (کنار کوره و دستگاههای حرارتی، بلند کردن ابزار سنگین، امکان قطع شدن دست و غمزه) و مسائل حفاظتی و بهداشتی (دستکش و کفش ایمنی، تهویه و...)

- ۲- قشر بندی کارکنان کارخانه
- الف - کارگران ساده: تعداد کارگران (زن و مرد)، روستائی، شهری، خارجی بودن کارگران، میزان سواد آگاهی، بیپایانی رسی بودن کارگران و وابستگی با کارفرما، مهندسین، کارمندان و میزان مقبولیت کارفرما و مهندسین در نزد آنها، سهولت اخراج کارگران.
- ب - سایر کارکنان: در مورد سایر کارکنان (مخمسین، نیمه متخصص، کارشناسان خارجی، کارمندان دفتری) حقوق و مزایای خاص و نقش آنها در تولید، نقش پلیسی که بعضا در کارخانه دارند، روابطی که با کارگران و کارفرما دارند.

- ۳- مسائل رفاهی کارگران و کارمندان
- در این مورد طبق اولاد، مسکن، بازنشینی، سود ویژه، سروس، تعاونی و سالن نهارخوری و... لازم است مشخص گردد.
- ۴- شیوه ای که کارفرما برای بالا بردن تولید بکار می برد
- استفاده از زور بطور مستقیم یا غیر مستقیم، شیوه ضد انگیزشی از طریق دادن پاداش و جایزه و...

- ۵- مبارزات کارگران
- الف - سابقه مبارزات صنفی کارگران بطور خود بخودی به کمک سندیکای کارگران.
- ب - شکست ها و پیروزی های که تا کنون داشته اند.
- ج - میزان فساد بودن کارگران در جریان قیامهای اخیر، تا پیوسته قیاسم ضد دیکتاتوری و بعد از آن.

تلاش و کوشش کارگران برای نفی سرمایه داری وابسته و قطع سلطه امپریالیسم که عمدتا با اخراج سرمایه دار وابسته از کارخانه شروع و با طی مراحل به صادره می نهند سرمایه او ختم می شود. ولی نه آن گزارشی که سدی است در مجاهد شماره ۱۹ و با کش وین در شماره ۱۸ و شرکت استکو در شماره ۱۷.

ب - مبارزه جهت ایجاد تشکلات کارگری که در این آن شورا و اتحادیه شوراها قرار دارد و با مقابله با تشکلات فرمایشی که توسط کارفرمایان ایجاد شده، نمونه آن شرکت استکو در شماره ۱۷.

بسیار است که گزارشی واقع بینانه از وضعیت شرکت نفت می توانست نیروی تازه ای را در کالبد انقلاب خلق بدمد. در واقع این نمونه صدا نمونه دیگر از تاثیرات شگرف کارگران در ارتقا، جنبش خلق، باینتر اهمیت نقش تاریخی آنان است. اعتقاد به نقش تاریخی ویژه ای که کارگران در پیشبرد انقلاب ضد امپریالیستی و استمرار آن در جهت نفی استعمار دارند از یکطرف، و رسالت اعتبار آگاه در برقراری پیوند ضروری اجزای وابسته و مختلف جنبش سراسری ضد امپریالیستی از طرف دیگر ما را بر آن داشته تا در این محله و مهدها و سولات و درخواستهای مکرر، مبنی بر ارائه یک طرح تهبه گزارش کارگری باشد که به مردم

استفاده شود. مثلا جمع شدن دم درب کارخانه هنگام اتمام کار کارگران و خارج شدن آنها از کارخانه برای رفتن به خانه هایمان و یا حتی سرزدن به خانه و یا باختر زدن در طول خیابان و... زیرا در هیچ شرایطی نباید تماس با کارگران محروم قطع گردد. اما بعد از ورود به کارخانه و برقرار کردن تماس فعال، ارتباط با کارفرمایان و با کارگران کارگران مخصوصا محرومترین آنها، دیدن محیط کار و... تک زبانه به شناخت ما از کارخانه می کند.

گلی ترین مسأله ای که در هر کارخانه با کارگاهی میبایستی در نظر گرفت عبارتست از:

الف - تلاش و کوشش کارگران برای نفی سرمایه داری وابسته و قطع سلطه امپریالیسم که عمدتا با اخراج سرمایه دار وابسته از کارخانه شروع و با طی مراحل به صادره می نهند سرمایه او ختم می شود. ولی نه آن گزارشی که سدی است در مجاهد شماره ۱۹ و با کش وین در شماره ۱۸ و شرکت استکو در شماره ۱۷.

ب - مبارزه جهت ایجاد تشکلات کارگری که در این آن شورا و اتحادیه شوراها قرار دارد و با مقابله با تشکلات فرمایشی که توسط کارفرمایان ایجاد شده، نمونه آن شرکت استکو در شماره ۱۷.

بسیار است که گزارشی واقع بینانه از وضعیت شرکت نفت می توانست نیروی تازه ای را در کالبد انقلاب خلق بدمد. در واقع این نمونه صدا نمونه دیگر از تاثیرات شگرف کارگران در ارتقا، جنبش خلق، باینتر اهمیت نقش تاریخی آنان است. اعتقاد به نقش تاریخی ویژه ای که کارگران در پیشبرد انقلاب ضد امپریالیستی و استمرار آن در جهت نفی استعمار دارند از یکطرف، و رسالت اعتبار آگاه در برقراری پیوند ضروری اجزای وابسته و مختلف جنبش سراسری ضد امپریالیستی از طرف دیگر ما را بر آن داشته تا در این محله و مهدها و سولات و درخواستهای مکرر، مبنی بر ارائه یک طرح تهبه گزارش کارگری باشد که به مردم

استفاده شود. مثلا جمع شدن دم درب کارخانه هنگام اتمام کار کارگران و خارج شدن آنها از کارخانه برای رفتن به خانه هایمان و یا حتی سرزدن به خانه و یا باختر زدن در طول خیابان و... زیرا در هیچ شرایطی نباید تماس با کارگران محروم قطع گردد. اما بعد از ورود به کارخانه و برقرار کردن تماس فعال، ارتباط با کارفرمایان و با کارگران کارگران مخصوصا محرومترین آنها، دیدن محیط کار و... تک زبانه به شناخت ما از کارخانه می کند.

گلی ترین مسأله ای که در هر کارخانه با کارگاهی میبایستی در نظر گرفت عبارتست از:

بسیار است که گزارشی واقع بینانه از وضعیت شرکت نفت می توانست نیروی تازه ای را در کالبد انقلاب خلق بدمد. در واقع این نمونه صدا نمونه دیگر از تاثیرات شگرف کارگران در ارتقا، جنبش خلق، باینتر اهمیت نقش تاریخی آنان است. اعتقاد به نقش تاریخی ویژه ای که کارگران در پیشبرد انقلاب ضد امپریالیستی و استمرار آن در جهت نفی استعمار دارند از یکطرف، و رسالت اعتبار آگاه در برقراری پیوند ضروری اجزای وابسته و مختلف جنبش سراسری ضد امپریالیستی از طرف دیگر ما را بر آن داشته تا در این محله و مهدها و سولات و درخواستهای مکرر، مبنی بر ارائه یک طرح تهبه گزارش کارگری باشد که به مردم

استفاده شود. مثلا جمع شدن دم درب کارخانه هنگام اتمام کار کارگران و خارج شدن آنها از کارخانه برای رفتن به خانه هایمان و یا حتی سرزدن به خانه و یا باختر زدن در طول خیابان و... زیرا در هیچ شرایطی نباید تماس با کارگران محروم قطع گردد. اما بعد از ورود به کارخانه و برقرار کردن تماس فعال، ارتباط با کارفرمایان و با کارگران کارگران مخصوصا محرومترین آنها، دیدن محیط کار و... تک زبانه به شناخت ما از کارخانه می کند.

گلی ترین مسأله ای که در هر کارخانه با کارگاهی میبایستی در نظر گرفت عبارتست از:

بسیار است که گزارشی واقع بینانه از وضعیت شرکت نفت می توانست نیروی تازه ای را در کالبد انقلاب خلق بدمد. در واقع این نمونه صدا نمونه دیگر از تاثیرات شگرف کارگران در ارتقا، جنبش خلق، باینتر اهمیت نقش تاریخی آنان است. اعتقاد به نقش تاریخی ویژه ای که کارگران در پیشبرد انقلاب ضد امپریالیستی و استمرار آن در جهت نفی استعمار دارند از یکطرف، و رسالت اعتبار آگاه در برقراری پیوند ضروری اجزای وابسته و مختلف جنبش سراسری ضد امپریالیستی از طرف دیگر ما را بر آن داشته تا در این محله و مهدها و سولات و درخواستهای مکرر، مبنی بر ارائه یک طرح تهبه گزارش کارگری باشد که به مردم

استفاده شود. مثلا جمع شدن دم درب کارخانه هنگام اتمام کار کارگران و خارج شدن آنها از کارخانه برای رفتن به خانه هایمان و یا حتی سرزدن به خانه و یا باختر زدن در طول خیابان و... زیرا در هیچ شرایطی نباید تماس با کارگران محروم قطع گردد. اما بعد از ورود به کارخانه و برقرار کردن تماس فعال، ارتباط با کارفرمایان و با کارگران کارگران مخصوصا محرومترین آنها، دیدن محیط کار و... تک زبانه به شناخت ما از کارخانه می کند.

گلی ترین مسأله ای که در هر کارخانه با کارگاهی میبایستی در نظر گرفت عبارتست از:

استفاده شود. مثلا جمع شدن دم درب کارخانه هنگام اتمام کار کارگران و خارج شدن آنها از کارخانه برای رفتن به خانه هایمان و یا حتی سرزدن به خانه و یا باختر زدن در طول خیابان و... زیرا در هیچ شرایطی نباید تماس با کارگران محروم قطع گردد. اما بعد از ورود به کارخانه و برقرار کردن تماس فعال، ارتباط با کارفرمایان و با کارگران کارگران مخصوصا محرومترین آنها، دیدن محیط کار و... تک زبانه به شناخت ما از کارخانه می کند.

گلی ترین مسأله ای که در هر کارخانه با کارگاهی میبایستی در نظر گرفت عبارتست از:

بسیار است که گزارشی واقع بینانه از وضعیت شرکت نفت می توانست نیروی تازه ای را در کالبد انقلاب خلق بدمد. در واقع این نمونه صدا نمونه دیگر از تاثیرات شگرف کارگران در ارتقا، جنبش خلق، باینتر اهمیت نقش تاریخی آنان است. اعتقاد به نقش تاریخی ویژه ای که کارگران در پیشبرد انقلاب ضد امپریالیستی و استمرار آن در جهت نفی استعمار دارند از یکطرف، و رسالت اعتبار آگاه در برقراری پیوند ضروری اجزای وابسته و مختلف جنبش سراسری ضد امپریالیستی از طرف دیگر ما را بر آن داشته تا در این محله و مهدها و سولات و درخواستهای مکرر، مبنی بر ارائه یک طرح تهبه گزارش کارگری باشد که به مردم

استفاده شود. مثلا جمع شدن دم درب کارخانه هنگام اتمام کار کارگران و خارج شدن آنها از کارخانه برای رفتن به خانه هایمان و یا حتی سرزدن به خانه و یا باختر زدن در طول خیابان و... زیرا در هیچ شرایطی نباید تماس با کارگران محروم قطع گردد. اما بعد از ورود به کارخانه و برقرار کردن تماس فعال، ارتباط با کارفرمایان و با کارگران کارگران مخصوصا محرومترین آنها، دیدن محیط کار و... تک زبانه به شناخت ما از کارخانه می کند.

گلی ترین مسأله ای که در هر کارخانه با کارگاهی میبایستی در نظر گرفت عبارتست از:

بسیار است که گزارشی واقع بینانه از وضعیت شرکت نفت می توانست نیروی تازه ای را در کالبد انقلاب خلق بدمد. در واقع این نمونه صدا نمونه دیگر از تاثیرات شگرف کارگران در ارتقا، جنبش خلق، باینتر اهمیت نقش تاریخی آنان است. اعتقاد به نقش تاریخی ویژه ای که کارگران در پیشبرد انقلاب ضد امپریالیستی و استمرار آن در جهت نفی استعمار دارند از یکطرف، و رسالت اعتبار آگاه در برقراری پیوند ضروری اجزای وابسته و مختلف جنبش سراسری ضد امپریالیستی از طرف دیگر ما را بر آن داشته تا در این محله و مهدها و سولات و درخواستهای مکرر، مبنی بر ارائه یک طرح تهبه گزارش کارگری باشد که به مردم

استفاده شود. مثلا جمع شدن دم درب کارخانه هنگام اتمام کار کارگران و خارج شدن آنها از کارخانه برای رفتن به خانه هایمان و یا حتی سرزدن به خانه و یا باختر زدن در طول خیابان و... زیرا در هیچ شرایطی نباید تماس با کارگران محروم قطع گردد. اما بعد از ورود به کارخانه و برقرار کردن تماس فعال، ارتباط با کارفرمایان و با کارگران کارگران مخصوصا محرومترین آنها، دیدن محیط کار و... تک زبانه به شناخت ما از کارخانه می کند.

گلی ترین مسأله ای که در هر کارخانه با کارگاهی میبایستی در نظر گرفت عبارتست از:

استفاده شود. مثلا جمع شدن دم درب کارخانه هنگام اتمام کار کارگران و خارج شدن آنها از کارخانه برای رفتن به خانه هایمان و یا حتی سرزدن به خانه و یا باختر زدن در طول خیابان و... زیرا در هیچ شرایطی نباید تماس با کارگران محروم قطع گردد. اما بعد از ورود به کارخانه و برقرار کردن تماس فعال، ارتباط با کارفرمایان و با کارگران کارگران مخصوصا محرومترین آنها، دیدن محیط کار و... تک زبانه به شناخت ما از کارخانه می کند.

گلی ترین مسأله ای که در هر کارخانه با کارگاهی میبایستی در نظر گرفت عبارتست از:

بسیار است که گزارشی واقع بینانه از وضعیت شرکت نفت می توانست نیروی تازه ای را در کالبد انقلاب خلق بدمد. در واقع این نمونه صدا نمونه دیگر از تاثیرات شگرف کارگران در ارتقا، جنبش خلق، باینتر اهمیت نقش تاریخی آنان است. اعتقاد به نقش تاریخی ویژه ای که کارگران در پیشبرد انقلاب ضد امپریالیستی و استمرار آن در جهت نفی استعمار دارند از یکطرف، و رسالت اعتبار آگاه در برقراری پیوند ضروری اجزای وابسته و مختلف جنبش سراسری ضد امپریالیستی از طرف دیگر ما را بر آن داشته تا در این محله و مهدها و سولات و درخواستهای مکرر، مبنی بر ارائه یک طرح تهبه گزارش کارگری باشد که به مردم

استفاده شود. مثلا جمع شدن دم درب کارخانه هنگام اتمام کار کارگران و خارج شدن آنها از کارخانه برای رفتن به خانه هایمان و یا حتی سرزدن به خانه و یا باختر زدن در طول خیابان و... زیرا در هیچ شرایطی نباید تماس با کارگران محروم قطع گردد. اما بعد از ورود به کارخانه و برقرار کردن تماس فعال، ارتباط با کارفرمایان و با کارگران کارگران مخصوصا محرومترین آنها، دیدن محیط کار و... تک زبانه به شناخت ما از کارخانه می کند.

گلی ترین مسأله ای که در هر کارخانه با کارگاهی میبایستی در نظر گرفت عبارتست از:

بسیار است که گزارشی واقع بینانه از وضعیت شرکت نفت می توانست نیروی تازه ای را در کالبد انقلاب خلق بدمد. در واقع این نمونه صدا نمونه دیگر از تاثیرات شگرف کارگران در ارتقا، جنبش خلق، باینتر اهمیت نقش تاریخی آنان است. اعتقاد به نقش تاریخی ویژه ای که کارگران در پیشبرد انقلاب ضد امپریالیستی و استمرار آن در جهت نفی استعمار دارند از یکطرف، و رسالت اعتبار آگاه در برقراری پیوند ضروری اجزای وابسته و مختلف جنبش سراسری ضد امپریالیستی از طرف دیگر ما را بر آن داشته تا در این محله و مهدها و سولات و درخواستهای مکرر، مبنی بر ارائه یک طرح تهبه گزارش کارگری باشد که به مردم

استفاده شود. مثلا جمع شدن دم درب کارخانه هنگام اتمام کار کارگران و خارج شدن آنها از کارخانه برای رفتن به خانه هایمان و یا حتی سرزدن به خانه و یا باختر زدن در طول خیابان و... زیرا در هیچ شرایطی نباید تماس با کارگران محروم قطع گردد. اما بعد از ورود به کارخانه و برقرار کردن تماس فعال، ارتباط با کارفرمایان و با کارگران کارگران مخصوصا محرومترین آنها، دیدن محیط کار و... تک زبانه به شناخت ما از کارخانه می کند.

گلی ترین مسأله ای که در هر کارخانه با کارگاهی میبایستی در نظر گرفت عبارتست از:

استفاده شود. مثلا جمع شدن دم درب کارخانه هنگام اتمام کار کارگران و خارج شدن آنها از کارخانه برای رفتن به خانه هایمان و یا حتی سرزدن به خانه و یا باختر زدن در طول خیابان و... زیرا در هیچ شرایطی نباید تماس با کارگران محروم قطع گردد. اما بعد از ورود به کارخانه و برقرار کردن تماس فعال، ارتباط با کارفرمایان و با کارگران کارگران مخصوصا محرومترین آنها، دیدن محیط کار و... تک زبانه به شناخت ما از کارخانه می کند.

گلی ترین مسأله ای که در هر کارخانه با کارگاهی میبایستی در نظر گرفت عبارتست از:

گزارشی از سیل در استان خوزستان



خواهران و برادران، شب هنگام، بیگم مردم سیل زده شاتفته اند

هفته گذشته میل بخش بزرگی از سپهر مارا فراگرفت و بر جای گذاشتن تعدادی کشته و مجروح بخش انبوهی از هموطنان ما را نیز، بی‌خاکان نمود. حناول امیرالاسلم و انامی غارنگر آن از مین ما، آنقدر این مناطق را غف نگاهداشته، که با توجه به فقر مردم و عدم استحکام شهر و خانه‌ها ویرانی سل یک امر طبیعی می‌نماید. هرچند تا این میزان امیرالاسلمتیا باقیمت، مردم محروم ما نیز در مقابل این حوادث هست و نیشستان را از دست می‌دهند اما آنچه که مهم است نحوه مقابله انضامی با این مشکلات است که خود در متنی از سازره ضدامیرالاسلمی نسبتی نودها انجام می‌گیرد. به این سزوات نایب شده‌است وقتی مصیبتی دراکرشد جز با بسج برمی امکان رفع آن نیست. بیچمن دلیل نیز مردم خوزستان با تلاش همگان باری برادران و خواهران سلیزده خود ساینده تا بلکه با امکات بانک خود، اما از سزایان و تلاشی بی‌گرم زندگی آنان را تا نابودی نجات داده. به سسر آمده‌اند و نیشستان را از دست و دیرین با یک بار مردم میهمان به آنان نقش سزایان سیر

سیل که بدینال بارندگی‌های جدید سپهرماروزی شده‌است. حدودی بدی شد داشت که از همان آغاز کت به بسیاری از مناطق جنوبشهر و روستاهای غیرمستقر بود. فی‌الثلل در اوز در مناطق گاویش آباد و چهار دستگاه و... آب تا کتر خانه‌ها بالا آمده بود و با برخی روستاهای فقط چندین خانه، مانند جزیره در میان آب باقی‌مانده بودند. برادران و خواهران ما نیز در اهواز و آبادان، با شور خدمت به خلق و رضای خالق، دامن هست به کتر سینه و همراه با یک بر مردم به تلاشی سرنویری برای کت به هموطنان مسست‌زده‌شان پرداختند. انجمن دانشجوین مسلمان دانشگاه اهواز راه پسنای ملیتیای خود را به مناسبت سالگرد انقلاب خوزین ۲۲ بهمن لئو زد و طی اطلاعیه‌ای اعلام نمود که نامی خواهران و برادران ملیشیا را با تمام امکات برای کت به سل رزمک بسج خواهد نمود. مجاهدین خلق شاخه آبادان نیز ضمن تشویق مردم به کمکهای همهجانبه انامی خود را برای قبول و توزیع کمکهای مردم اعلام نمود. خواهران و برادران شاخه آبادان و اهواز با تشکیل ستاد کتکراسانی، از همان آغاز سعی کردند با نظمی انضامی تمامی مناطق سلیزده را تحت پوشش خود درآورند. از طرفی کتک و اعتماد مردم به این ستاد ها و کمکهای انسانی از مرکز امداد مجاهدین در تهران، جبران بی‌تلاشی ها و انحصارطلبی‌های برخی جناحها را می‌نمود. ستاد کتکراسانی انواع آذوقه از قبیل آرد و برنج و مواد خوراکی و یا وسائلی نظیر: پتو، لباس سرد و غیره را برای مردم توزیع میکرد. همینجمن برای سالم نگهداری کارخانجات، خانه‌ها و احشام از سیل اقدام می‌نمود. خواهران و برادران، با ابتکارات ازود آب منازل را برون می‌ریختند، ابتکار با پمپهای کتده را کتدن جویهای باریک و با سایر وسائل انجام می‌گرفت. آنها با ایجاد چندین سد سعی در انحراف آب از سسر خانه‌های سکونی نمودند. با صد ها گونی سن و ماسه چندین سل برکردان در مناطق حساس درست کردند. سدق بسیاری از خانه‌ها را برای عدم نفوذ آب با نایلون سزواتند. کتقهای برخی منازل را تعمیر نمودند. برای ماها ناولی نصب کردند. چندین بل تعمیر نمودند. بهرام روستایان برای احشام کترسه علوفه چیدند. یو آرد از مهمترین کار بچها، ارتداد و راهشانی سلیزندگان سراسیمه سزواتند. با بلانکتف، و هدایت آنان به محل های سکونی این بود در اهواز دانشجویان یک سالن و مسجد دانشگاه را با پتکار اختصاص دادند. به موازات اینها تیمهای امداد پزشکی برادران و خواهران، با کتک پزشکی مردمی منطقه به باری آسیب دیدگان و مجروحها و بیماران به حرکت در آمدند.

درگنبد چه گذشت؟

هفته گذشته فاجعهای دیگر در کتد قلب هزاران ایرانی را خرمخمدار ساخت. آنچه در زیر میخوانید گزارشی کتقهای است از وقایع اخیر این منطقه البته تجزیه و تحلیل آن را به سسلر بررسی ریشها و حیوانت مختلف آنت لکن در این مختصر صرفا جبران مایع گزارشی شده و در همین رابطه به کتده مقامات رسمی نیز استناد شده‌است تا مردم هم در این زمینه به قضاوت بنشینند.

چرکهای فدائی و کانون فرهنگی سیاسی، خلق ترکمن را از پیش برای مراسم سالگرد جبران سیاهگل آماده می‌کردند و سپهر سلر از مقامات سلول نیز برای راهپیمایی و مراسم کتکارها می‌گذاشتند.

۱۸ بهمن از طرف سپاه پاسداران و دادستان انقلاب اعلامیه‌ای بخش سلر و دران از کتبه سلرمانا خواسته می‌شود تا راهپیمایی‌ها را ختشی کنید. در ضمن از شب حادثه کتق راهپیمایی ورودی به کتد کتد کنترل سپاه قرار گرفته و حتی ماشین‌ها را کنترل می‌نمایند.

روز مراسم - همانا با راهپیمایی خلق ترکمن، حدود ۳۰۰۰ رکت احتجاج کرده زرمه حمله به راهپیمایان را داشتند. فرمانداری چون ساله حمله ۳۰۰ نفر را حدی می‌بینند و کتقهای راهپیمایی را سیاسی خلق ترکمن نامی قرار گرفته از آنها سزواحد سسر راهپیمایی را تغییر دهند که آنها نیز قبول می‌کنند. ولی در حال حال در دور تحریکاتی روی راهپیمایی انجام می‌گرفته

۶ سال پیش در اواخر بهمن ماه، دولت دیگر از فرزندان دانش خلق خسرو گلرخی و کرامت الله دادشان بخاطر دفاع از آرمان توده‌های ستمدیده، پس از تحمل ماها سنگجه در یک دادگاه فرمایشی محاکمه و بدست مزدوران شاه شهادت رسانند. در میان انقلابیون شهید ایران مددجوی از قهرمانان و پهلرهای پاک‌خاسته هستند که بیش از سایرین در قلب و فسر مردم ما جای گرفته‌اند. خسرو گلرخی یکی از آنست. شاید بر برخورد دشمنان اینطور نظر برسد که رژیم شاه در مورد آنها (ویر علمیان) بیش از بقیه تحلیفات براه انداخت؛ ولی این طلب هرگز نیشتراند دلایی بر این امر باشد. چرا که خاتینی هم بودند که رژیم با تمام قوا سعی نمود آنها را مطرح کند. لیکن و همگی از جانب مردم دست رد به سینه‌شان خورد، لذا خیلی رود از خاطره‌ها محو گردیدند.

راستی چرا گلرخی در دل خلق ما جاودانه شد و اینبمه درود و متقی نتارش گردید؟ مگر نه این بود که رژیم خونخوار پهلوی املا این خیمه شبازی را تحت عنوان "دادگاه" تشکیل داده بود تا با نمایش تسلیم طلبی چند روشنگر خود فروخته که برای نجات جان ختیر خود زخمی را در خلق می‌گذاشتند، چهبره مقام انقلابیون راستین را بی‌الایه و آنها را نزد مردم عامری "تادم" و "فیب‌النفس" و "افعال شده" ... جلوه دهد؟ مگر نه این بود که میران نایشانمانه نیز و قهریقن تیمت‌ها و برجسها را چه از دمان دادستان و رئیس دادگاه و چهار زبان برخی بنیشین فرمایه‌علیه نیروهای انقلابی عنوان ساختند و از هیچ دروغی هم

صورت وضعیت کار و سواط نقلیه ستاد از تاریخ ۱۱/۲۳ الی ۱۱/۲۵

تاریخ	نوع وسیله	تعداد	تعداد ماورینتها در مجموع
۱۱/۲۳	ساری	۴۵ دستگاه	۲۸۰
۱۱/۲۳	کامیون	۴ دستگاه	۴
۱۱/۲۳	موتور و دوچرخه	۵ دستگاه	بطور مستمر
۱۱/۲۴	سواری و وانت	۲۵ دستگاه	۳۵۰
۱۱/۲۴	کمپرسی	۵ دستگاه	۹
۱۱/۲۴	موتورسیکلت	۳ دستگاه	بطور مستمر
۱۱/۲۵	سواری و وانت	۳۳ دستگاه	۵۵۹
۱۱/۲۵	مینیبوس	۱ دستگاه	۱
۱۱/۲۵	کامیون و کمپرسی	۹ دستگاه	۲۴
۱۱/۲۵	لودر	۱ دستگاه	نصف روز خوشمر
۱۱/۲۵			شیتا صابح آبادان

این داستان واقعی سارزه حق و باطل است. سارزه تاریخی بی‌سزور و طولانی که سرانجام در واری همه ابرهای تیره و تاری، خورشید خواهد درخشید. خلق بیروز می‌شود، شمار از چهبره حامیان واقعی‌اش خاکم بر آن خواهد شد. چرا که ضد خلق و ارتجاع را در این جهان بی‌رحم ریشه و فراری نیست. بیروزی از آن نیروهای خلقی و انقلابی است. این را تاریخ میگوید. این را شیدا و قهرمانان خلق گفته و آنها حقیقت را می‌گویند...

لیست نام چیز کمکهای مجاهدین خلق ایران

لیست کمکهای که از تاریخ ۱۱/۲۳ تا آخر وقت ۱۱/۲۵ توسط ستاد کتکراسانی مجاهدین خلق شاخه آبادان بین سلیزندگان توزیع شده است:

نام مواد	مقدار	مقدار
لباس	۳۷۵۰۰	ملافه
زیلو و گلیم	۲۲۷	حوله
کتش	۳۵۶۵	تشک
چادر زنانه	۳۳۹	نایلون
چادر	۲۴۰۰	پراجاز گاز
بیسکویت	۲۲	جمیع
شیر خشک	۲۷۵	هیزم
سزواتند	۴۲۰	آذوقه
برنج	۱۳۱۰	سیگار
چای	۹۰	حلو
گونی	۵۰۰۰	نک
پتو	۲۵۵	بودر
یو آرد	۸۵	کتدم
حیوانات	۲۲۰	مربا
قند	۲۳۰	کیلو
خوراکی	۳۰۰۰	کیلو
چراغ قوه	۲۰	تعد
دارو	۱۱۰	کیلو
پنیر	۱۷۱	کیلو
خرما	۳۳۰	کیلو
کبریت	۲۴۰	گونی
غذاهای شترقه	۲۰	ظرف

بقیه از صفحه اول

گزارشی: از راهپیمائی ها و ورژه میلیشیا در شهرهای استان مازندران

یک مبارز مکتبی، هرگز یک مرحله از مبارزه را پایان مبارزه تلقی نمی کند



رژه میلیشیا در قائم شهر مناسبت اولین سالروز قیام پرشکوہ ۲۲ بهمن

بدین ترتیب همه مردم در یک روز مبارزه با آنان خواهند بود. مخصوصاً اگر توجه داشته باشیم که در چه مرحله‌ای از مبارزه هستیم. مرحله‌ای که یک مبارزه هرچه قاطع‌تر علیه امپریالیسم و دشن حاکمان و خونخواران این سرزمین است. در این روزها مبارزه را طلب می‌کند. در واقع برای از بین بردن تمامی ریشه‌های وابستگی و از بین بردن تمامی راه‌های نفوذ و رخنه و حاکمیت امپریالیسم جهانی جز بیخ اثرش ۲۲ میلیون توده‌ای نیست. بخصوص در مقطع کنونی مبارزه که این همه نیروها به شور و جوش دانش‌آموز و دانشجو و آحادی لازم برای تداوم چنین نبردی است از خود نشان می‌دهند. همین انقلابیون پرشوری که بخوبی دریافته‌اند که اگر متنگل و سازمان یافته نمانند، نیروهایشان به قدر خواهد رفت. و اینجاست که پاسخ خود را در میلیشیا یافتند. و روزی روزی از آن استقبال بیشتری بعمل می‌آورند. این رژه که محروم ما نیز به آن به مثابه یک امید و پشتوانه انقلاب خویش می‌باشد، اینک مبارزات ضد امپریالیستی مردم ما، با ورود میلیشیا به صحنه رنگ نازمی بخود گرفتند. رژه میلیشیا شهرهای استان مازندران در سالگرد انقلاب پرشکوہ ۲۲ بهمن نونوا از آنست.

این رژه که توسط انجمن‌های دانش‌آموزان و دانشجویان مسلمان هزبان در شهرهای قائم شهر، گرگان، پابل، پابلسر، و... برگزار شد. بی شک استقبال بی نظیر مردم روبروگردید. این نشان می‌دهد که علیرغم بی توجهی و کم‌بهره‌اندازی برخی جناح‌های حاکم، خلق ما تداوم انقلاب و پایان دردها و رنج‌های ریشه‌دار خود را در دستار ارتش بیست میلیونی یافتند. ارتش که توسط آحادی کامل مردم برای ادامه مبارزه با آمریکا و بیروزی نهائی برآست.

این راهپیمائی‌ها که هزبان ساعت ۵ صبح روز ۲۲ بهمن در شهرهای فوق برگزار شد از نظمی انقلابی برخوردار بود. در پیشاپیش راهپیمائی‌ها می‌توانیم انقلاب. موفقی منظم میلیشیا در دستمایه ۱۰۰ نفری رژه می‌رفتند و در پشت سر آنها راهپیمایان با کوهی هرچه نامتور در حرکت بودند. هر لحظه بر تعداد راه

فرزند عزیزش دوست دارد. برادری از رشت نوشته است "بعداذ پیام امام همه جبهه ناراحت شدند. البته فقط ناراحت نه دلبرد."

گزارش‌های فعالیتهای انتخاباتی

از نقاط دور و نزدیک، روستاهای گناباد و شهرهای گاه دور افتاده گزارش‌های نسبتاً مبسوط و جالبی از فعالیت‌های تبلیغاتی برایان فرستادماند. چیزی که بیش از همه به چشم می‌خورد شور و شوق انقلابی، پشتکار و خستگی ناپذیری هواداران است. در بسیاری موارد تا نیمه‌های شب و در سرمای طاقت‌فرسای شب، علی‌رغم همه سوزنها و تهیجا و فشارها با خونسردی و متانت به کار تبلیغاتی خود ادامه می‌دادند. در غالب جاها، پارکون بوستر، ساعت پاسداران، دستگیری و خلاصه‌نما و محدودیت دیده می‌شود. اما روحیه‌ها همچنان قوی و شکت ناپذیرند. در بعضی جاها حتی پس از اعلام حذف نمود باز هم به فعالیت خود ادامه دادند. برادری از جلالی ضمن ارائه گزارش مفصلی از فعالیت‌های خود و دوستانش نوشته است "وقتی در روستاهای دور افتاده میمانم میروم بیرون جوانان را می‌پایم که وضع منتقاری برای در زندگی دارند و نزدان می‌آیند و با آن وضع زندگی‌شان می‌بازد و با ناخواهی در نامش از شدت ناراحتی پس از شنیدن خبر حذف شدن برادر مسعود یاد کرده و گفته "اما دستخط برادر مجاهد مسعود تمام نظایان و سرکنی را که در درون من بوجود آمده بود از سر برداشتم و آن‌گاه در مورد چگونگی رای دادن خود در روز انتخابات چنین می‌گویم: "روز را برای من روز خاصی بود، روز خصوصی بود، می‌دانستم چکار می‌کنم. کار خاصی نبود اما فکر پیدا بود که خانواده‌ام متوجه میشدند. آخر امام گفته بود "این حالت مرضی‌اش که همه باید به آن متوجه شد. سرانجام نزدیک‌های غریب به پای صندوق رفتم... گنج بودم... سرگرمی گرفتم... نیت کردم... بدین‌گونه چیزی روزی آن بنام خود نیت کردم مسعود عزیز برای من همیشه نهانگذاشتید من است و این سفید را بداخل..."

چرا ارجاع

اخیرا بعضی نیروهای مترقی نسبت به موضع‌گیری سازمان انتقاد و تهدید اصلی را ارجاع گرفتند! طبیعی است که برای پاره‌ای از نیروها و حتی طرفداران این سوال مطرح شود. ما این دسته از سوال کنندگان را به سلسله مقالات "درباره انتقادات دانش‌آموزی خلق" در نشریه مجاهد ۲۲ و... ارجاع می‌دهیم.

گزارشی مختصر از نامه‌های رسیده

برادری که چند اعلامیه فالانژها را برای گزارش به ما از دیوار کرده و برایان فرستاده، در پایان نامش "ممنون یک انسان مسئول از اینکه اعلامیه‌های ما را در دسترس شما رسانید" نوشته است. اینک خلق قهرمان ایران طلب بخشش و عذرخواهی می‌کنم... ما صداقت و شجاعت انقلابی این سران را که با وجود از هرگونه درخواستی از کار اشتباه خود انتقاد می‌کنند، تمجید می‌کنیم.

جهت‌گیری نیروهای آزاد شده

چند نامه داشتیم که حاکی از جهت‌گیری نیروهای آزاد شده‌ای می‌باشد که در جریان موضع‌گیری‌های سازمان، با از موضع بی‌توجهی جذب سازمان شده‌اند و با از موضع ضعیف به موضع انقلابی و بین‌بانی گشده‌اند. برادری که درخواست سرمطالعه می‌کند، نوشته است "تاکنون جهت‌گیری منی حلال به حزب مجاهدین علاقه پیدا کرده‌ام"

پیام برادر مجاهد موسی خیابانی به خلق قهرمان تبریز

بقیه از صفحه اول

اسال در شرایطی سالروز قیام خونگشوند و قهرمانانه ۲۹ بهمن را گرامی می‌داریم و به بزرگداشت شهدای بیخون غنچه این قیام می‌پردازیم که در سال از این روز بزرگی و یکسال از شهدای قیام خونین سپهرمان غلخان می‌گذرد. بی تردید قیام ۲۹ بهمن تبریز در سال ۵۶ یکی از حوادث عظیم گنجانده‌ایست که زمینه ساز پیروزی قیام سراسری خلق مجاهدین ما ۵۷ بهمن ۵۷ گردید. چرا که این شورش خونبار به یکباره محاسبات دیکتاتورمانه رژیم سلاک شاه را درهم ریخت و همچون تیری در تاریکی درخشید و مناه مبارزات خونبار دیگری گردید که سراسر میهنان را فراگرفت و مالا به سقوط رژیم شاه انجامید. بدین ترتیب مردم زحمتکش و قهرمان تبریز که همواره نقش بزرگ در مبارزات راهائی بخش میهنان بازی کرده‌اند، مردمی که با رشادتها و جانبازیهای خود انقلاب مشروطیت را بیا گشودند، استبداد و شاهنشاهی قاجار را برانودند. اینبار نیز چه با قیام ۲۹ بهمن و چه با مبارزات پیدشان هنگام حمله خلق نقش شایسته خود را در برانودن رژیم خونخوار امپریالیستی تحت رهبری امام خمینی ایفا نمودند. مردمی که ستاره‌های تابانگی همچون تقی‌المسلم، ستار خان، باقرخان، شیخ محمد خیابانی و شهید محمد حنیف تواد بنشاندند از زمان مجاهدین خلق ایران و به آن انقلاب‌های بخش خلق ایران تقدیم گردانند.

هشربیان دلیر، من نیز در شمار سایر خواهران و برادران مجاهد که چه در تبریز و چه در سراسر کشور دست در دست شما خاکنه و زادگاهان را از یوغ نظام شاهنشاهی آزاد نمودیم؛ این روز بزرگی را بشما مردم مجاهد تبریز تبریک گفته و می‌توانم که با انتمی‌مخندین به زحماتی که متأسفانه در گشال‌گشته در پیگر شهربان پدید آمد بازم به پیش‌گایه شایسته خود را در روند انقلاب راهائی بخش میهنان ارجاع کنم.

خواهران و برادران زحمت‌دوستانه! شما همچنان که در گذشته نیز نشان داده‌اید باید پاسدار خون شهدان و حافظ مورثات انقلابی غلخان باشید و از رسالت‌ها و جز با وحدت انقلابی ضد امپریالیستی و غلبه بر فرقه‌های نیتوان بجای‌آورد. وحدتی که جز در مسیر انقلاب ضد استبدادی، ضد استعماری و ضد استعماری حاصل نمی‌شود. بنابراین باید با گام برداشتن در این مسیر شگرف و در رساندن انقلابی ضد امپریالیستی و خودمختاری جنگ زده و مجاهدین را بسوی راهائی، غلخان را بسوی

مردم و مجاهدین

خواهران و برادران عزیز: این هفته تعداد نامه‌های رسیده بدست ما بسیار زیادتر از هفته‌های گذشته بود و طبیعتاً "پاساقل بیشتری هم برخوردار گردید. بهتر دیدیم که گزارشی از نامه‌ها به شما بدهیم. این کار ما چند دلیل دارد. اول اینکه شما نیز در جریان نامه‌ها و نظرات و چگونگی کسانی که برایان نامینوسند قرار بگیری‌دوم اینکه تا آنجا که مقدورات نظرات را می‌توانیم به برادران و منتکس کنیم. سوم اینکه سایر خواهران و برادران نامینوسند تا جایی که نامه‌ها دید درستی نسبت به جامعه و نظرات جاری در آن پیدا کنند. البته باستی متذکر شویم که این گزارش بدلائل متعدد سیاسی است. ... گزارش کاملی نیست لکن سعی کرده‌ایم که تا آنجا که مقدورات است تصویر درستی از نامه‌ها ارائه دهیم. و نکته آخر اینکه این گزارش از مجموعه نامه‌های تهیه شده که در فاصله ۱۴ تا ۲۱ بهمن بدست ما رسیده‌اند.

گزارش از نامه‌ها:

انگار و از همان همچنان درگیر مسئله انتخابات ریاست جمهوری، چگونگی و علت موضعگیری سازمان ما چگونگی برخورد سیستم حاکم با مسئله کیفیت فعالیت‌های تبلیغاتی و برخورد‌های انحصارطلبانه و ضد دموکراتیک که در جریان تبلیغات بوجود آمده میباشد. در اکثر نامه‌ها عده مترقیان همچنان در انتظار: ۱- انگاش موضعگیری سازمان ما ۲- مورد کارگیری برادر مسعود. در مورد فعالیت‌های تبلیغاتی در جریان انتخابات.

البته در کنار این محورها مسائل دیگری که به معنای "مطرح می‌شود همچنان در نامه‌ها به چشم می‌خورد. نظیر علت سکوت سازمان در برابر زندانی بودن برادر مجاهد مسعود، سوال در مورد مسئله افغانستان و شوروی سوال در مورد برادران مسکری سوال در مورد اینکه چرا اعلامیه سازمان و شورش‌ها و یا در جنوب هندو سخنانی نمی‌شنود. درخواست رهنمود در باره چگونگی حل تضادهای فشارهای خانوادگی سوادلی که در اثر شایعات و تبلیغات مترجین بوجود آمده، تمرین و تشریح‌های در وصف پدر پلاتانی، شکایت و درد دل در مورد اختناق حاکم بر مدارس، سوال در مورد اینکه چرا به قانون اساسی رای ندادیم... اعلامیه‌های از سازمان به خصوص ابراز احساسات و ارادت نسبت به برادر مجاهد مسعود. چند مورد انتقاد در مورد برخورد‌های هواداران، درخواست سیر مطالعاتی و معرفی کتاب.

عکس العمل موضعگیری سازمان در برابر بررساله گنار هگیری برادر مجاهد مسعود رجوی

هرچه هواداران گاه از کنار رفتن مسعود احساسات و ناراحت شده‌اند ولی غالباً "دربافتانند که اگر این انتخابات بازنده‌ای داشت ما نمودیم موضعگیری مخالفین داشت" در پائین آوردن درجه محبوبیت خودشان تاثیر داشته است و نیروهای جدید به حقانیت سازمان پی برده‌اند.

البته پیام عاطفی امام در شب انتخابات که درخواست شرکت در انتخابات را می‌نمود پاره‌ای از نیروهای سیاسی را سخت درنگنا قرار داده است. آنها از طرفی حقانیت سازمان را می‌بینند و از طرفی عواطف آنان را برانگیخته است و است بسیاری همسازان پس از ساعتی گنجی از پای سفید خود را به صندوق انداختند. موارد معدودی نیز وجود داشت که از سازمان درخواست شد عمل بیشتر را نمودند. ولی به نظر میرسد که نیروهای طرفدار این چنان کیفیت رسیده‌اند که بتوانند موضع‌گیری اصولی و منطقی را بر احساسات خود غالب گردانند.

... ما در این موفقی که انصراف او را فهمیده دیگر بی‌روز ندارد. و از باز هم آرام نمیگردد. چون تو را مثل

بهر روزی و انقلابیان را بسوی پیروزی پیش ببریم. تنها با گام برداشتن در چنین مسیری است که شایسته برخورداری از نصرت الهی خواهیم شد. چرا که بقول قرآن "ان نشئورالله یضمرکم و یشئت اعدائکم"

مستحکم باد و رگ ضد امپریالیستی تمام خلق
مرگ بر امپریالیسم
درد بر شهیدای قیام ۲۹ بهمن تبریز
موسی خیابانی
۵۸/۱۱/۲۸

سراسر کشور دست در دست شما خاکنه و زادگاهان را از یوغ نظام شاهنشاهی آزاد نمودیم؛ این روز بزرگی را بشما مردم مجاهد تبریز تبریک گفته و می‌توانم که با انتمی‌مخندین به زحماتی که متأسفانه در گشال‌گشته در پیگر شهربان پدید آمد بازم به پیش‌گایه شایسته خود را در روند انقلاب راهائی بخش میهنان ارجاع کنم.

خواهر گرامی! این روز بزرگی و یکسال از شهدای قیام خونین سپهرمان غلخان می‌گذرد. بی تردید قیام ۲۹ بهمن تبریز در سال ۵۶ یکی از حوادث عظیم گنجانده‌ایست که زمینه ساز پیروزی قیام سراسری خلق مجاهدین ما ۵۷ بهمن ۵۷ گردید. چرا که این شورش خونبار به یکباره محاسبات دیکتاتورمانه رژیم سلاک شاه را درهم ریخت و همچون تیری در تاریکی درخشید و مناه مبارزات خونبار دیگری گردید که سراسر میهنان را فراگرفت و مالا به سقوط رژیم شاه انجامید. بدین ترتیب مردم زحمتکش و قهرمان تبریز که همواره نقش بزرگ در مبارزات راهائی بخش میهنان بازی کرده‌اند، مردمی که با رشادتها و جانبازیهای خود انقلاب مشروطیت را بیا گشودند، استبداد و شاهنشاهی قاجار را برانودند. اینبار نیز چه با قیام ۲۹ بهمن و چه با مبارزات پیدشان هنگام حمله خلق نقش شایسته خود را در برانودن رژیم خونخوار امپریالیستی تحت رهبری امام خمینی ایفا نمودند. مردمی که ستاره‌های تابانگی همچون تقی‌المسلم، ستار خان، باقرخان، شیخ محمد خیابانی و شهید محمد حنیف تواد بنشاندند از زمان مجاهدین خلق ایران و به آن انقلاب‌های بخش خلق ایران تقدیم گردانند.

هشربیان دلیر، من نیز در شمار سایر خواهران و برادران مجاهد که چه در تبریز و چه در سراسر کشور دست در دست شما خاکنه و زادگاهان را از یوغ نظام شاهنشاهی آزاد نمودیم؛ این روز بزرگی را بشما مردم مجاهد تبریز تبریک گفته و می‌توانم که با انتمی‌مخندین به زحماتی که متأسفانه در گشال‌گشته در پیگر شهربان پدید آمد بازم به پیش‌گایه شایسته خود را در روند انقلاب راهائی بخش میهنان ارجاع کنم.

خواهران و برادران زحمت‌دوستانه! شما همچنان که در گذشته نیز نشان داده‌اید باید پاسدار خون شهدان و حافظ مورثات انقلابی غلخان باشید و از رسالت‌ها و جز با وحدت انقلابی ضد امپریالیستی و غلبه بر فرقه‌های نیتوان بجای‌آورد. وحدتی که جز در مسیر انقلاب ضد استبدادی، ضد استعماری و ضد استعماری حاصل نمی‌شود. بنابراین باید با گام برداشتن در این مسیر شگرف و در رساندن انقلابی ضد امپریالیستی و خودمختاری جنگ زده و مجاهدین را بسوی راهائی، غلخان را بسوی

تحلیلی

بر کنفرانس پاکستان و مسأله افغانستان

در شماره گذشته کنفرانس پاکستان و بی‌آدمی آن را نوشته‌ام اکنون به قسمت دیگر یعنی مسئله افغانستان و دخالت شوروی در آنجا و تحلیل مارا در این رابطه می‌خوانید.

آنچه مسلم است امریکایی‌ها و مرتجعین منطقه قصد دارند از ساله افغانستان بمشاور به انحراف کنند. انقلاب ایران سو استفاده کنند. روزنامه هرازدیوم چهارم ژانویه در این رابطه چنین می‌نویسد: «احتمال دارد تجاوز روسیه به افغانستان به نفع گروگانهای آمریکایی در ایران تمام شود زیرا مکتبات خمینی به این نتیجه برسد که در مقابل ساله بزرگتری یعنی امکان توسعه کونیسم در تمام دنیا امریکایی فرار دارد. در چنین اوضاع و احوالی است که بدینال روید سربرازان شوروی به افغانستان، امپریالیسم و مرتجعین منطقه مشترکاً قهرمانان بمصالحه اسلامی پاکستان را طراحی میکنند. زیرا پاکستان بسیار خوبی بدست آورده‌اند و دیگر نیایستی منتقل کنند. پارهای گزرها که شورویها خود آنها را بسپارموت میداندن حاکی از آنست که امریکا و پاکستان و چین با آمادگی کامل نظامی قصد اشغال افغانستان و بدست گرفتن کنترل اوضاع در آنجا را داشته‌اند.

بهر حال شورای انقلاب ایران نیز برهم اعتراضات مکرر بسیاری گروهان سرانام شرکت در کنفرانس پاکستان را تصویب میکند. البته اخبار کنفرانس بطورکامل و دقیق و همجانیه در مشوعات ایران نمکند است. گر نمیوانست هم بشود زیرا خدمت امپریالیستی خلق قهرمانان را خیلی کارها دست خبلی کرها میداد. آنچه مسلم است اینکه بمشهاد داده‌های سودی تقریباً بطور کامل متن قطعنامه‌های کنفرانس را تشکیل داد. قطعنامه‌ای که بنظر مرتجعین جن می‌باشد» مربوط به کنفرانس رسمی مالی (که مقامات ایران گفتند که در این مورد راسا خود ایران اقدام خواهد کرد) اما بقی تمام مورد اشاف ایران نیز قرار گرفته است. اگرچه بعداً مقامات رسمی ایران خودشان را با یک قطعنامه فرعی مربوط به حمایت از انقلاب ایران در صورت نفاذ حاکمیه اقتصادی امریکا داخلش کردند. اینک در همان قطعنامه نیز بطورکامل موضع ایران در قبال گروگانها و محکوم و بدو حل مسالمت آمیز مسایل فیما بین ایران با امریکا سفارش شده است. این را هم گفته نگذاریم که آقای خرازی مایون وزارت خارجه ایران در یک سخنرانی با چند تنوب و اشاف عالی امیریکا با محکوم نمود. امریکا ایران را پای قطعنامه امپریالیسم و ارتجاع سودی میگذارد و بعد هم قطعنامه و قربت الی الله !! به امریکا تشر می‌نموند و این در حالی است که امام خمینی رابطه با امریکا را خیلی مظلوم با ظالم توصیف نموده و در قبال آن ارتش بیست ملیونی خلق را لازم می‌بیند.

واما مسأله شوروی و افغانستان

کنفتم که هرگونه همدستی ایران را با مرتجعین منطقه تحت نظر عنوان در منطق انقلاب و در منطق اسلام محکوم می‌کنیم. هم چنین روشن شد که امپریالیست‌های امریکایی دست و نماندند است هم بشود زیرا خدمت امپریالیستی خلق قهرمانان را خیلی کارها دست خبلی کرها میداد. آنچه مسلم است اینکه بمشهاد داده‌های سودی تقریباً بطور کامل متن قطعنامه‌های کنفرانس را تشکیل داد. قطعنامه‌ای که بنظر مرتجعین جن می‌باشد» مربوط به کنفرانس رسمی مالی (که مقامات ایران گفتند که در این مورد راسا خود ایران اقدام خواهد کرد) اما بقی تمام مورد اشاف ایران نیز قرار گرفته است. اگرچه بعداً مقامات رسمی ایران خودشان را با یک قطعنامه فرعی مربوط به حمایت از انقلاب ایران در صورت نفاذ حاکمیه اقتصادی امریکا داخلش کردند. اینک در همان قطعنامه نیز بطورکامل موضع ایران در قبال گروگانها و محکوم و بدو حل مسالمت آمیز مسایل فیما بین ایران با امریکا سفارش شده است. این را هم گفته نگذاریم که آقای خرازی مایون وزارت خارجه ایران در یک سخنرانی با چند تنوب و اشاف عالی امیریکا با محکوم نمود. امریکا ایران را پای قطعنامه امپریالیسم و ارتجاع سودی میگذارد و بعد هم قطعنامه و قربت الی الله !! به امریکا تشر می‌نموند و این در حالی است که امام خمینی رابطه با امریکا را خیلی مظلوم با ظالم توصیف نموده و در قبال آن ارتش بیست ملیونی خلق را لازم می‌بیند.

آری اینست میراث خورای مقاماتی که تحت نام امام ویا تکیه به خون شهیدان صحنه روایت بین‌المللی را با دکان خرازی اشتها گرفتند. در این فلوات که کلی را به امریکا می‌دهند و بعد هم شفاها مقداری غروده می‌گیرند.

در ختامین قسمت باستانی به دعای آنگار برنیس نقد وایمید سودی نیز برای پیروزی کانتز اشاره کنیم. چرا که اسلام جناب ایشان بدون پیروزی نظام آقای کانتز برقرار نمی‌ماند. حضرت متکلم ایشان چنانکه در کیهان ۱۱ بهمین متکلم است به دلیل اینکه کانتز نسبت به ملت عرب و خلق فلسطین امریکایی دارد در پیرویه کنفرانس کذاب برای پیروزی کانتز در فرمودند.

همچنین پس از خاتمه کنفرانس به اصطلاح اسلامی پاکستان آقای

هر چیز و در نظرگاه ایدئولوژیکن ناشی از عدم تکیه به پایگاههای اجتماعی و نیروهای میاندیم که بر ضدهیره کشی مصماند. و این هم یعنی برخوردار نمودن از مسیر رشد درون جوش اقتصادی اجتماعی به علیه امپریالیسم و استعمار. و چنین است که اجازات خارجی نهانها چنانکه در نمونه‌های اروپایی شرقی باثبات رسید جازه سار قابل نخواهد بود.

حرکت‌های مکانیکی قابل دوام نخواهند بود

بیاد دارم که شورویها بیکار در سال ۱۳۳۴ کشور شدند در چکولواکی نیوی پیاده کنند. آخر نزدیک بود که جاذبه‌های غریب و کنش‌های بیرونی از چکولواکی را بدان اردوگاه سربامدادویو امپریالیسم جهانی بکشاند. اما تعهدات امپریالیستی در همان ایزام زباعت آن نبود که ما از اشغال چکولواکی اظهار سرت کنیم. بر این اساس در همان زمان نیز در بخشهای داخل سازمان ما نظر بر این بود که البته باستانی در نه‌تهدید امپریالیستی برحذر بود و آن را محکوم شرد اما علی‌العموم بهترین راه پاسخگویی به تهدیدات استعمارگران بین‌المللی تحت رهبری امریکا استفاده از فشار و نیروی نظامی شوروی نیست. البته میتوان در یک تحلیل استاتیک (ایستا) چنین استدلال نمود که: خوب، اگر سربازان شوروی وارد چکولواکی نمیشدند امریکایی‌ها برنده میشدند...

اما نظرگاه دیسانک (بویا) و تحلیل نمودن فشارها در حرکت و بررسی آنها بگونه‌ای جریان را در نتیجه دیگری بدست میدهد: هم راه چون خودش متناهد کند که به رشدترین فرزندان این میهن برسند. ماکسیست‌های شوروی بدست طبیعی است که ما نباید فریب چنین خمشبند پارچه‌هایی را در هیچ‌جای دنیا بخوریم.

واقعیت اینست که تا کنون در افغانستان بسیاری مرتجعین وروایز قابل تحت عنوان اسلام عمل‌گروانند پارهای گزارشا حاکمیت که حتی پولها نفرت و سلاجهایی نیز به‌میزان زیاد از جانب برخی محافظ ایرانی به حضرات رسیده است. از سیاست برخی روزنامه‌های نفوذه‌شده‌شده راستی ایران نیز تائیده بهاداست که ازهر مرتجعیت تحت نام اسلام حمایت کرده می‌کنند؛ که در کوبی میبار اسلامیت و مسلمانان، ضدامپریالیسم بودن است. حال دیگر مهم نیست که طرف کیست و چکاره است. گفته میشود که در یک مورد یک پای اسلام افغانی کسالیان زیادی در ساواک ایران جیره‌خواری میکرده بعداً هم تحت عنوان اسلام از بسیاری مواهب از جانب محافظ فوق‌الذکر برخوردار شده است.

اما تا آنجا که به رژیم حاکم افغانستان و اتحاد شوروی مربوط میشود از نظر ما ریشه‌های اشکالات را در این حقیقت باستانی جستجو نمود که میان راه رشد سرمایه‌داری و اصلاح قاطع رشد ضداستعماری توحیدی که بسوی جامعه‌های عربی از طبقات راه می‌برد همی راه و پایدار دیگری وجود ندارد. مهربات دیگر حکومت‌هایی از قبیل مصر و سواری و نونده‌های بیشتی که زمانی از حمایت‌های فراوان شوروی نیز برخوردار بودند، چنانکه در تجربه نیز بکرات آرزوده شده است بخاطر دست و پا زدن بین رشد سرمایه‌داری و رشد قاطع انقلابی توحیدی از هیچ بنیاد و پایگاه بالنده اجتماعی برخوردارانوده. و نهانها بدایان سرمایه‌داری وواستیگی می‌غلظند و آنکه در مسیر همین گردش و چرخش بی‌بثباتی و پایداری است که کودشا های پساپی و اعمال قهر و قدرت اجتناب ناپذیر میشود. بدین ترتیب ما مجارانی شبیه افغانستان را قبل از

انداشسانه خود انگیزش و بسنج همه کیز و بی‌تکیه بخاطر راههای ازهمه اجازات غیر کنگلی می‌دهیم که با هیچوجه حتی رفا مادی را نیزه‌مدت نمیدانند. و روشن است که بسج‌مستمر

مجاهدین هوا داران خود را به رعایت آرامش و خویشتن داری انقلابی فرامی‌خوانند

بنام خدا
بنام خلق قهرمان ایران

سازمان مجاهدین خلق ایران ضمن قدردانی انقلابی از احاسات مقدسی که در قبال مقاله توهین‌آمیز روزنامه جمهوری اسلامی در بسیاری مفوف و انتثار مردم قهرمانان در سراسر کشور برانگخته شد، توجع تمام زبان و مردان آزاده و بویژه جوانان پرشور انقلابی را بمراد ذیل جلب می‌کند:

۱- برای انقلابیون راستین این مهین و ازجمله برادران مجاهد مسعود رجوی و موسی خیابانی که مورد توهین‌شکار روزنامه جمهوری اسلامی قرارگرفتند اینگونه برخورد‌های نادرست بار نه تنها هیچ بعد و غیرمستظهر نیست، بلکه ورق زین انتثار دیگری است در دفتر مبارزات ضدامپریالیستی و ضدارتجاعی این خلق که بی‌گمان هر فرد منصفی را بباد مقالاتی از همین قبیل در روزنامه‌های آریامهری گذشته می‌اندازد.

۲- تشبیهات روزنامه جمهوری اسلامی درباره برادران مجاهد مسعود رجوی و موسی خیابانی همز جزی جز ناله‌های احتشار قلم‌های ناپاکی که در طوط‌گردن انقلاب و اسلام تاکنون هنری ندانشانده‌نست. همان قلم‌ها و قلم‌های حقیر و ذوبنی که تنها از فرادی انقلاب‌جمهوریخواه و انقلابی و اسلام‌پناه می‌شوند. و اکنون که روزگار رسوایی آنان فرا می‌رسد و با سوء نرفت توهان‌های که از عملکردهای آنان بشوهر آمده‌اند روبرو می‌شوند، چراغی جز خندشدار کردن وجدان و شرف انقلابی این مهین نمی‌بایند. وجدان و شرفی که برقم آنان از میان آتش و خون و کنججه راه‌های وصول به خالق و خلق را درنوردیده‌اند و باز هم در می‌نورددند.

۳- بر این اساس مجاهدین خلق ایران در برابر خدا و خلق سوگند یاد می‌کنند که از خون در رکاب‌هایشان جاری است همچنان نگذارند که هیچ سوگند یار امپریالیستی و ارتجاعی بر دامن اسلام راستین نشسته و آفتاب درخشان اسلام با ابرهای تیره و تاری از این قبیل گردد.

۴- ما بپوشش‌های روزنامه‌های زبیر را اوج دیگری از انبوه غلطات توطع‌های مستمری می‌دانیم که جرح‌خاندن اصلی چنین روزنامه‌هایی از فرادی انقلاب جرح در قالب نظامی و چه به صورت سیاسی بر علیه فرزندان خلق این خلق طرح نموده‌اند و اکنون در آستانه انتخابات بازم از آنچه در توان دارند فروگذار نمی‌کنند.

۵- در همین رابطه بازمه بمشور نیل بمحداکتر آراش بویژه در روزهای که امام خمینی در بیارستان می‌رسند از تمام خوهران و برادران و هموطنان تقاضای برادراری انقلابی می‌کنیم.

۶- بدیهی‌است، بچنانچه مرتجعان و آنتشارفروان بازمه دست از تقمذوشی از فرهنگ‌های که با نظر ما مستقیماً بمشور لگال گردن کشان انتخابات اعمال می‌شود برنارند. پیشانی‌نست به هرگونه برانگیزش احاسات مردمی‌هتدار داده و در قبال آثار آن از خود و هواداران‌ن سلب مسؤلیت می‌کنیم.

۷- بنا بر این بازمه کراما همه مقامات مشور خاظرین می‌کنیم که تمام اشعار و تصنیفات و کنججه‌ها و جرحاتی که این روزها فراوان با و هواداران‌ن می‌رسد (که هیچ یک از این مقامات نیز علیرقم خواستهای کمرمان مینبی بر تشکیل یک دادگاه علمی رای رسدگی به این موارد پاسخ‌نی‌دهند.) نباید آنها را با این شبهه دچار آزاره که می‌توانند با مردم سلوگویی نمایند. را کنترل نموده و از لیزیر شدن کاسعاهی صبر سوسایم برای همیشه عواطف توهانی جوی دامن بزنند که تحت آن وسایل حذف گانده‌های است که در فرامد قانون اساسی شرکت نگردانند. بفراموشی و مجلس شورای ملی از محتوای شورانی قانون که ملازم با حرکت تمام اشعار و طبقات خلق است تهنی شده و به صحنه دیگری برای آزندنی‌های انحصارطلبانه آنان تبدیل گردیده، مابه‌امتی نصحیت می‌کنیم که اینتمه، نهانها چیزی بیش از تسریع زوال تاریخی خود آنها نیست. وطبعا مشور واکنش‌های توده ای‌مدی آن خودشان غافل‌نمود.

با تکریم انقلابی عواطف با مردمی تمام هم‌میهن‌ان و دشمنی بی‌پایان از همه جوانان روزمندی که انقلاب در دل آنها می‌طبد.

مجاهدین خلق ایران
۱۳۵۸/۱۱/۲۹

دولت کنونی افغانستان نیز تنها یک راه برای پایدار ماندن و دعوی مشوریت دارد. عهدمدار شدن دفاع کامل کشور از طریق پایگاه‌های انقلابی مردمی (و نباید تشکیل دولت واقعی و حاکمیت خلقی) که بدون نیاز به حضور سربازان شوروی هم از پس امیریکا لیست‌ها برخواهد آمد و هم از پس سرکردگان ارتجاع داخلی.

البته همانطور که قبلاً فقط بطور کلی) اشاره کردیم فکر کنیم که شاید اگر دولت‌های قبلی نیز با ارج نهادن به فرهنگ مردمی و اسلامی و تناسب اوضاع و احوال اقتصادی - اجتماعی و سیاسی افغانستان با مسنده‌های باطنی‌مدست‌واضع و اشوار اجتماعاتینا متناسب‌ترین شیوه‌های مبارزه اصولی را در مسیر انقلابی خود انقلابیون حقیقی افغان می‌سازند که به‌بسیار از نواحی این بگونه خان‌خانی و عشیرتی اداره میشود. نسخه‌های حاضر آماده تجویز کنیم. بکس این‌خود انقلابیون حقیقی افغان هستند که به‌بسیار متناسب‌ترین شیوه‌های مبارزه اصولی را در مسیر انقلابی خود انقلابیون حقیقی افغان می‌سازند که به‌بسیار از نواحی این بگونه خان‌خانی و عشیرتی اداره میشود. نسخه‌های حاضر آماده تجویز کنیم.

البته بازمه تأکید می‌کنیم که تحلیل مشخص و تکنالگیکانه و استخراج رهنمودهای سیاسی مشخص از تحلیل مشخص اوضاع و احوال ناشی میشود است در عیبه خود انقلابیون آگاه و هوشارافغانی درهر سوختی که هستند میباشند. کاری سخت و طاقت فرسا که از زمان مستطرم تبلیغ و ترویج وسیع تروماست نیاز به هست. پاپان

دو بر خود متقاوت با انقلاب

اجازه دهید دو برخورد متفاوت مرحوم عبدالناصر و هواری بوسیدن را پس از جنگ ژوئن مثال بزنیم. مرحوم ناصر، نگران از دوستی و سربازان اسرائیل به قاهره در دست‌هایی به یک محاصره و آتش پس با اسرائیل تسجیل می‌نمود اما بوسیدن که خود از میان نبرد تودهای زاردمت‌سازنده‌گشته با فراغ خاطر استدلال می‌نمود کارواقفاگذاریدسربازان اسرائیلی همه خاک مزارانوردند!! بوسیدن راست می‌گفت.

اگر سربازان اسرائیلی در سراسر خاک مصرو سایر کشورهای عرب پراکنده می‌شدند، یک شکست قطعی آنان بود؛ زیرا که یکصد میلیون عرب را بمبارزهای می‌گفت و رودرو بر می‌انگیزند.

اما خط مرحوم ناصر چنانکه خود نیز رسد از آنجا که در جوهر خود عنصر خلقی بقدر کافی محاسبه کرده بود پس از امضا طرح و اجازت سرانجام از سادات سردارورد؛ گرایش به سرمایه‌داری. بنا بر این ما چنین می‌اندیشم که اگر در افغانستان حکومتی با پایهای مکتفی سمرسی می‌سر سراسر بود - خسه ترس از امریکا دولتی داشت و نه کودتای ارتجاعی مادی چرا که با راجعه به خلق بسج شده، سازمان یافته و مسلح هر تهدید انقلابی چه از داخل و چه از خارج ناپایا غنتی می‌کردند. پس اگر حکومتی از سازماندهی و تسلیح توده‌ها عاجز است این خود اوست کلنگ میزند و بایستی در آریایی و بزگی‌های مردش

هزاران نفر از هواداران مجاهدین خلق طی راهپیمائی و تظاهرات روزنامه جمهوری اسلامی را محکوم کردند

در ادامه حملات نیروهای ارتجاعی بر علیه مراکز و هواداران مجاهدین خلق و همچنین تبلیغات ناجوانردانه سراسری مرتجعین در جریان انتخابات ریاست جمهوری و جمهوری اسلامی در تاریخ پنجشنبه ۲۵ بهمن ماه به شکل بیشرامیهای برادران مجاهد مسعود رجوی و موسی خیابانی را مورد توهین قرار میدهد. روزنامه ای که هرگز حداقل حرمت و شرافت روزنامه نگاری در قلمبوش وجود ندارد، روزنامه ای که از همان آغاز انقلاب رسانش جز ذمان زدن به نژادهای دیون خلقی و ایجاد آشوب و بلا و ترغیب و تحریک و تخریب و واقتباس نبود، روزنامه ای که ماهیت سازشکارانه و ارتجاعی و وابسته سردمدارانش برای تمامی مردم افشا شده، آنها برادران

آری در آینده خلق به خوبی دوستان و دشمنان خود و همچنین سازشکاران و وابستگان به امپریالیسم را خواهد شناخت و باخ این باور گوییا و اراجیف شنی مرتجع را به آنها خواهد داد.

انتشار مقاله توهین آمیز روزنامه جمهوری اسلامی بر علیه برادران مجاهد مسعود رجوی و موسی خیابانی موجی از خشم و نفرت در بین توده های مردم بویژه دانشجویان و دانش آموزان ایجاد کرد. آنها دیگر در برابر این ناجوانردنها گام صبرشان لبریز نگریه نمود، بدین جهت تصمیم گرفتند که این بار سکت نشسته و به خیابانی ها بریزند و با خلق را از این توطئه های ننگین کلاه کنند.



راهپیمائی انجمن های دانشجویان مسلمان در اعتراض به یابوهای روزنامه جمهوری اسلامی علیه شخصیت انقلابی برادران مجاهد مسعود رجوی و موسی خیابانی

در روز یکشنبه ۲۸ بهمن ماه انجمن های دانشجویان و دانش آموزی و دیگر انجمن ها و گروه های هوادار مجاهدین به راه انداختن تظاهرات و راهپیمائی های، یابوگوییها و اراجیف روزنامه به اصطلاح جمهوری اسلامی را محکوم کرده و بر علیه این روزنامه به بیشگاه خلق قهرمان ایران اعلام جرم کردند. این برادران اوباشان و مزدوران همیشه ارتجاع صوف راهپیمایان را مورد حمله هجوم خود قرار دادند و تعدادی از خواهران و برادران ما را جرح و مشروب کردند.

در ساعت ۳ بعد از ظهر راه پیمائی ای از طرف انجمن

دانشجویان مسلمان دانشگاه تهران از بیخ شیطان به طرف دانشگاه تهران برگزار گردید.

در این راهپیمائی که هزاران نفر در آن شرکت داشتند، پلاکاردها و تراکت های درمخوم کردن توهین های روزنامه به اصطلاح جمهوری اسلامی چشم میخورد، در برخی از تراکتها عکس دیدار بدر طالقانی و

است: در اینجا سخن از یک با دو فرد نیست، بلکه سخن از برجمند برنامی است که از آرمان مستضعفین انقلابی و مرد و شجاع و شهنشاهی، ملتپنا و... اسلام انقلابی حمایت میکند. در حقیقت توهین به رجوی و خیابانی توهین به میلیونها زن و مردی است که به حمایت از این برنامه برخاستند... هنای هیکگاه تا به این حد نرسیده بود، دیگر گامه صبر ما لبریز شده و این دیگر قابل تحمل نیست. همدستان دیروز امیر انتظامها امروز در قالب غمخواران انقلاب اسلامی جلوه کرده و به دشمنان دیروز امیرانتظامها تهمت میزنند. لذا ما این توطئه را محکوم نموده و بر علیه روزنامه جمهوری اسلامی به بیشگاه خلق قهرمان ایران اعلام جرم میکنیم و از هیئت تحریریه و تمامی دست اندر کاران این دستگاه توطئه گر میخواهیم

۱- این قطعنامه را در همان صحنه و با همان حروف که توهین نامهمه برادران مجاهدان مسعود رجوی موسی خیابانی درج شده چاپ کنند.

۲- هرچه زودتر از بیشگاه خلق و انقلابیون راستین و جان پرک مددتر خواهی نمایند.

۳- این قطعنامه در تمام راهپیمائی در ساعت ۵ به پایان رسیده و راهپیمایان صحن دانشگاه را ترک کردند.

اخلاق انقلابی

یک انقلابی را ستین بویژه یک مجاهد خلق، در کنار مبارزه بی امان با امپریالیسم و مرتجعین باید به مبارزه با ارزشها و اخلاق ضد خلقی و ضد توحیدی نیز بپردازد، این مبارزه را با ید اول از خودش شروع کند

خود را در برخورد با دیگران از دست بدهیم و با اگر در متن یک تشکلات تا انجمن فعالیت کنیم باید با تواضع انقلابی تمام هم خود را در جهت پیشبرد انقلاب صرف کنیم و آنجا که بتوانیم با کار توحیدی در آنجا بپردازیم.

محمد رسول الله و الذین آمنوا معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم" محمد فرستاده عداوت و آناکه با ایمان بخدا در کنار او گام میزنند، در برخورد با دشمن خلق آشتی ناپذیر و سزاوار فیرند و برعکس (درصوف خلق) و با همراهم سیران و برعکس و محبت.

فداکاری صادقانه در قبال توده ها بزرگترین وسیله تبلیغاتی انقلابیون

از آنجا که فداکاری بزرگترین سرمایه یک انقلابیست و رنج در راه ارتقا، توده ها، مستتر عامل تکامل کادح انقلابی و یک رنگ کادح انقلابی هستیم و در راه توده ها فداکاری کردن، باید جوهر زندگی و اخلاق ما باشد. بدون برخورداری از چنین خصوصیتی ما هرگز موفق به پیشبرد اخلاق انقلابی مان و منجمله تبلیغ در میان توده ها و اشبات خائنانه نخواهیم شد. حال با مطالباتی این طلب را بیشتر از این میبینیم: یک روزنده فلسطینی که بعد از ماهها دوری از خانواده های ۲۴۰۰ ساعت فرصت سزودن به خانواده های را داشت در مسیر خود خانه و بران شده یکی از توده های فلسطینی که مورد حمایت گولوه های دشمن صهیونیست قرار گرفته بود، روبرو شد. دیگر خانواده خوشی را از یاد برد و از مرضی خود برای تعمیر خانه این هوشون فلسطینی استفاده کرد و بدین سان دیگر بار بدون دیدن خانواده های به سخر بازگشت.

برادران و خواهران ما نیز در زمان محاکمات دیکتاتوری، در خانه های مخفی و شبی بقدری با فداکاری

دردهای یک درجه دار...

مردم هم اعلامی که داده بودند که اگر این افراد بدستمان بیفتد شفه نداشتن می کنند. سجاره ضد اطلاعاتیها از ترس شانه خا خاهاشان را عوض می کردند. اما تا مردم میفهمند دوباره در سخر میزند مرتجع تا محل جدیدی کبر بیاورند، آن موقع ما خیلی کیف می کردیم. آنقدر فعالیت چهجا گسترده شده بود که ضد اطلاعاتیها دیگر فرصت جمع و جور کردن خودشان را هم نداشتند.

ما هر روز اخبار تظاهرات و درگیریهای مردم را می بینیم حتی با پاکبهای دیگر هم تماس می گرفتیم و با آنها خبر در و بدل می کردیم. کم کم فهمیدیم که باید

دستگیری گروه

کارهای ما تا اینجا خوب پیش رفته بود و علمیرفم فعالیتاتی که داشتیم ولی ضریهای از ضد اطلاعات نغورده بودیم. ما تا اینکه یکی از چهجا بدین بخش قنایها دکتر تهرینی و زندگینامه شهیدی سازمان مجاهدین خلق توسط ضد اطلاعات دستگیر شد. بافاصله چهجای دیگر فهمیدند. شب

اول که میخواسیم دست به فعالیت های انقلابی در ارتش بزنیم خیلی می ترسیدیم ولی بعدا که دست بگارشدم، فهمیدیم که ضداطلاعات آنچنان هم قوی نیست، ما مدت ها در یادگان اعلامیه پخش کردیم و نفهمید

تظاهرات، روز قیام هم اولین کاری که کردم با مردم به زندان جشمیدیه رفتم و از تمام سولولها بازدید کردم و گفتیم خدا!ا "می شود دیگر اینجا زندان مردم مبارز و قهرمان نباشد" دیدم که چطور مردم فرماندهان یادگانی را دستگیر کرده و می بردند و خدا را عکر می کردند. دیگر وقتان را بش از این نمیگرم چون خاطره مهم دیگری از زندان طاووت ندارم. ولی یک طلب کار و آخر میگویم و تمام کنم. او اینگونه بی این قیام این منطقه را در چه دارها فهمیدیم که واقعا اگر بخوایم سراز واقعی باشیم باید در کنار برسان و برای آنها کار کنیم. برای فهمیدیم که اگر آگاهیمان بالا باشد دیگر آنها نمی توانند روی دوش ما سوار شوند و خون مردم مستفاد را بکنند. اسدوار هم روز پیوند بین ما و مردم که رژیم شاه آن بود روز روز مستحکمتر شده تا بتوانیم انقلاب را به پیش ببریم.

حرکت همه ها شنگ با مردم

یک روز اعلامیهای شنی بر تحریم گوشت بخورده در شهر پخش شد. ما هم این مسئله را بهانه کرده و اعلامیهای دادیم و غذای سلف سوریس را تحریم کردیم. چهجا هم هنگی ظهر غذا خوردیم و حسابی اعلامه گرفتیم. مردمی غیر تحریم غذا را به سایر پاکبها هم برسانیم. حالا خیلی از کارها علنی شده بود. چهجا با فرماندهان در می یافتند و ما هم برای اینکه قدرت برین را ختمال

برادران درجه دار م ۱۰۴

سیری کوتاه بر زندگی پنج مجاهد خلق

قبلا وعده داده بودیم که زندگانه ما در تن از اعصاب (مجاهد شهید محمد رهنمای شهسواری و مجاهد شهید محمدحسن خیابانی) و سه تن از وابستگان به زنیان مجاهدین خلق مجاهدین شهید رضا زنجیرفروش، عباس زنجیرفروش و مقصود جعفرزاده را که در بهمنماه ۵۷ هنگام استقبال از برادران مجاهد موسی خیابانی و احمد حنیف‌نژاد بعد از آزادی از زندان بر اثر تصادف به شهادت رسیدند بنویسیم که هفته قبل بعثت تراکم مطالب موفق به چاپ آن نشدیم و این هفته زندگانه ما این شهدا را می‌نویسیم.

مجاهد شهید محمد رهنمای شهسواری

در سال ۱۳۳۳ در یک خانواده متوسط در تبریز متولد شد. او دوران دبیرستان را در تبریز گذراند. در دوران دبیرستان در محافل سیاسی - مذهبی شرکت میکرد و صلح آگاهی خود را بالا میبرد و در عین حال از نزدیک با مردم روبرو شده و فقر ناشی میگرفت و مادرش های آنها در جریان زندگی رفت بارزبان، آشنا شد. سال ۵۱ وارد دانشگاه شهید شد و در آنجا تحصیل کرد. در دانشگاه شهید کبیری مقررات و ضوابط سخت آموزشی به منظور جلوگیری از فعالیت سیاسی دانشجویان و مشغول نمودن آنها وضع شده بود. ولی محمد که به حوسه مبدلت است هدف و محتوای چنین سیستم آموزشی اصلا "آسان" تربیت و تأمین کادر فنی - اداری برای سرمایه‌داری وابسته ایران است؛ هرگز به این مقررات تن نداد و زیر بار چنین نظامی سرسخت و در همین سالها در دانشگاه شهید سرچشمه‌ترین سرگوب و عتقان شهید حاکمیت داشت. اما، برادرشید ما با انتخاب راه مبارزه شرافتمندانه خویش نه تسلیم دیکتاتوری خون آشام و جفاکوب سرگوب آن نشد و نه فریب برنامه‌های اصلاح رفاهی و بورسیه و کتک‌های مالی آنها را خورد. و عین تربیت با گذشتن فعالیت سیاسی خود در دانشگاه، دست محکمی به دهان رژیم سردرهمی "سازش با ناپودی" قرار داد. زود، اما اینکه بالاخره محمد همراه چند تن دیگر از همفکرانش دستگیر شد و در سواحل خلیج فارس محکوم شد.



مجاهد شهید محمد حسن خیابانی



مجاهد شهید محمد رهنمای شهسواری

یاد شهیدان را گرامی می‌داریم



مجاهد شهید مقصود جعفرزاده



مجاهد شهید عباس زنجیرفروش



مجاهد شهید رضا زنجیرفروش

دستی در کارهای ساختاری متغول کار شد. برادر عباس، جواد زنجیره فروشی، از اعضای سازمان مجاهدین خلق در سال ۵۴ دستگیر شده بود. این مسئله برای عباس این فرصت را فراهم آورد که به اندیشه در باره ادواتی مجاهدین خلق سرزداز. او با آن سن این ساله مطرح بود که چرا انبساط جوانی باک و با ایمن که همه وسایل و امکانات یک زندگی راحت و مرفه برایشان فراهم است، از همه چیز خود سبک‌ترند و آرام نتوانند.

عباس در مدت زندگی کوتاهش، تلاش خستگی ناپذیر و پرشوری در جهت پیشبرد اهداف مجاهدین خلق در تبریز نبوده بود.

او با آنکه از بسیاری زمین مغرب همیشه رنج میرسد ولی آنچنان جذب فعالیت و کار شده بود که این عامل او را از مسئولیتش باز نداشت.

راه او را ادامه دهم و آرمان مقدس را تحکیم بخشم.

مجاهد شهید مقصود جعفرزاده

۵ - شهید مقصود جعفرزاده در سال ۱۳۳۷ در یک خانواده متوسط در شهر تبریز متولد شد. پس از طی دوره متوسطه در تبریز به تهران آمد و در رشته راه و ساختمان دانشگاه صنعتی به ادامه تحصیل پرداخت. سراسر وجود برادر شهیدمان عشق و ایمان به خدا و خلق بود.

او در تعطیلات تابستان به کار در میان کارگران ساختمانی و کارگاهها و کارخانهها می‌پرداخت تا از نزدیک شاهد رنج طاقت فرسای طبقه کارگر باشد. او سبب است که سادگی با ادامه تحصیل خود یک زندگی مرفه برای خود دست و پا نماید. ولی هرگز نخواست به مردم زحمت کش خود بیعت کند. و خود را به سبای زندگی متوسط آور مصرفی که سرمایه‌داری وابسته از تیره استعمارمیلونی‌ها خلق زحمتکش برای او فراهم می‌سازد.

او حتی در حین تحصیل در دانشگاه نیز بدون کارگر کار می‌کرد. مراکز صنعتی و مؤسسات مختلف متغول به کار بود. در جریان همین آمیختگی و مسامحت با مردم او موفق شد در چند محله اقدام به تأسیس کتابخانه‌های بنیادین و به‌بالا بردن سطح آگاهی جوانان کمک کند. مقصود در جریان تدارک استمال از مجاهدین خلق خدمت زحمتکش از بالاخره پس از ۱۰ روز افسانه‌ای بی‌مبارسان با نوشیدن شربت شهادت به دیدار حق شتافت.

و من الله من یشئ

اینجا جنبه در ادامه فضوئی‌های گذشته پگروز پشت پنجره بیرونی هستی که البته فراموش کرده بودند جفاکار و ز-۳ و تیربار نگذارند گوش استادم و گزارش زیر حامل همین استراق سمع است. از پشت پنجره صداهای زیادی شنیده می‌شد که نتوانستم بدرستی تشخیص بدهم که مال کیست، اما صحبتها واضح بود و بدون وقفه رد و

چطور است چندتا "نشی" بیایورید!

از وقتی دکان دوشنبه اختصارا و فرصت طلایی از رونق افتاده، جلات مشورتی در پیوستی دکان بیشتر تشکیل می‌شود. ظاهر "کاسی‌های مربوطه" طلسم شده و نذر و نیاز و جادو جنیل هم کمتر کارگر می‌شود. اصلا مثل اینکه طلسم این دفعه با دفعه‌های پیش فرق دارد. آنطور که هیچ شهید با حرفه ای با هیچ دارم و رسم ایمنی توانی آترا بشکند.

مجاهد شهید رضا زنجیرفروش

هنگامیکه به شهادت رسیدن ۱۵ سال بیشتر نداشت. علمبرم سن بسیار کم، از رشد فکری و فاعلیتی بسیار عالی برخوردار بود. او علاوه بر سادگی به‌مثابه‌مرکزگذاشتن انقلابیون صدرالام و متونی که در این زمینه به دستن سرسید مطالعه میکرد. در همین حال در رونق دیگر در یک کارگاه آهنگری متغول بکارگری شد. با اینکه جوشگرهای چشم‌هایش را نداشتند، اما سبک و زحمت و کار و عتق و علاقه‌ای که به کار در کارگاه‌ها و شرکت در رنج و سختی آنها میداد، به آن سبب تمام بود. بطوریکه یک لحظه آرام نداشت. روح سرکش و زانو در آوردند. تا اینکه زندانبانان ساسی را از سبایه‌الهی تارکس آریامیری که بوی کشیک و اختناق آنها را فرا گرفته بود. آزاد کرده و به میان توده مردم که بوی نابوت و خوشی به بوی آزادی و پیروزی میداد میگشت آوردند.

مجاهد شهید عباس زنجیره فروش

وی در سال ۱۳۳۸ در یک خانواده متوسط در تبریز بدنیا آمد. پس از طی دوران متوسطه وارد انستیتو تکنولوژی تبریز شد و در رشته مهندسی باستانشناسی تحصیل گشت. او در حالیکه درس می‌خواند به

بدل می‌شد:

"عجیب‌است! که این ملت رویشان خیالی زیاد شده و اصلا حاضر نیستند گویا بیایند و در کار بزرگترها دخالت نکنند و هرچه گفتیم بگویند چشم؟"

به ۵۲ آخر این‌چنین وضعی است؟ هنوز مخابرات تمام نشده پرسنل ارتش شروع می‌کنند، این یکی تمام شده کارمندان بنیاد مستضعفین بعد هم نوبت به کارمندان دادگاه انقلاب میرسد و لابد فردا هم...

تازه حرفهای همه‌شان هم در اصل یکبیت معلوم می‌شود از یک جنبش تحریک می‌شوند. چون که خیالی‌شان می‌گویند که انحصارطلبی است و اعمال نفوذ بیجاها و ریختن و پاش و... نکند "صدانقلاب" شنیده‌ای دید این طرف مرز و بیگانه را می‌کنند؟

خبر ۶۱ کار به بحث عراق است. اصلا دست خرابکاران و مارکسیست‌های اسلامی هم نوبت کار است.

ای تانق‌ها! چطور است نکاتشان را به امام بکنیم.

چرا علیه آنها اعلام‌بهای بی امضا چاپ نمی‌کنید؟

والله کردیم، آنقدر که دیگر اعلام‌بها از اثر افتاد و خودش تیلیتی شد برای آن طلان‌لان دشمنها.

بگیریدشان.

آخر به چه بهانه‌ای؟

خب پس بنویسید "شرق زرداند".

اصلا جاسوس شرقی‌اند و با روس "کاسی" می‌زنند!

نوشتم ولی مردم نمی‌پذیرند - لعنت بر شیطان، چقدر دین مردم صیقل شده!

به مجلس راهشان ندیده، بگویند کارمند، منافقند، تلویزیون هم که دست خودمان است.

آخر مردم می‌گویند که این دیگر به مجلس شورای ملی می‌شود، که همایش نظر موافق باشد، اینک بازمی‌شود نظیر همان مجالس فرمایشی و همان بلب فریب‌های سابق.

پس به قربان‌ها گفتند آنها و تهدید به قتل است. بنویسید هم‌الان است که اگر خودشان عقیده‌شان نیستند، ما به مسئولیت‌های خلیفان "عمل می‌کنیم.

آخر، ۵۲ این سبایین بیدی نیستند که به این بادها بایزند. مگر رژیم شاه اینها را کم شکنجه کرد و گشت؟ چه می‌گفتان هم شکستیم و نشد. دوستان را هم سر بریده‌ایز هم نداشت. ۱۰۰۰ رزگار هم بیستشان بازمه شد.

پس چه کنیم؟ چه کنیم که سلطنت از دستشان نرود و نیاشد؟ بعضی‌ها دلم سوخته‌بود نتوانستم باز به جلوی فلولی خودم را بگیرم و بگذفم بگفم چاره‌مجویی افتادم و از دهنم برید!

مجاهد شهید محمد حسن خیابانی

در سال ۱۳۳۷ در یک خانواده متوسط در شهر تبریز متولد شد. پس از طی دوره متوسطه در تبریز به تهران آمد و در رشته راه و ساختمان دانشگاه صنعتی به ادامه تحصیل پرداخت. سراسر وجود برادر شهیدمان عشق و ایمان به خدا و خلق بود.

او در تعطیلات تابستان به کار در میان کارگران ساختمانی و کارگاهها و کارخانهها می‌پرداخت تا از نزدیک شاهد رنج طاقت فرسای طبقه کارگر باشد. او سبب است که سادگی با ادامه تحصیل خود یک زندگی مرفه برای خود دست و پا نماید. ولی هرگز نخواست به مردم زحمت کش خود بیعت کند. و خود را به سبای زندگی متوسط آور مصرفی که سرمایه‌داری وابسته از تیره استعمارمیلونی‌ها خلق زحمتکش برای او فراهم می‌سازد.

او حتی در حین تحصیل در دانشگاه نیز بدون کارگر کار می‌کرد. مراکز صنعتی و مؤسسات مختلف متغول به کار بود. در جریان همین آمیختگی و مسامحت با مردم او موفق شد در چند محله اقدام به تأسیس کتابخانه‌های بنیادین و به‌بالا بردن سطح آگاهی جوانان کمک کند. مقصود در جریان تدارک استمال از مجاهدین خلق خدمت زحمتکش از بالاخره پس از ۱۰ روز افسانه‌ای بی‌مبارسان با نوشیدن شربت شهادت به دیدار حق شتافت.

و من الله من یشئ

اینجا جنبه در ادامه فضوئی‌های گذشته پگروز پشت پنجره بیرونی هستی که البته فراموش کرده بودند جفاکار و ز-۳ و تیربار نگذارند گوش استادم و گزارش زیر حامل همین استراق سمع است. از پشت پنجره صداهای زیادی شنیده می‌شد که نتوانستم بدرستی تشخیص بدهم که مال کیست، اما صحبتها واضح بود و بدون وقفه رد و

مجاهد شهید محمد حسن خیابانی

در سال ۱۳۳۳ در یک خانواده متوسط در تبریز متولد شد. او دوران دبیرستان را در تبریز گذراند. در دوران دبیرستان در محافل سیاسی - مذهبی شرکت میکرد و صلح آگاهی خود را بالا میبرد و در عین حال از نزدیک با مردم روبرو شده و فقر ناشی میگرفت و مادرش های آنها در جریان زندگی رفت بارزبان، آشنا شد. سال ۵۱ وارد دانشگاه شهید شد و در آنجا تحصیل کرد. در دانشگاه شهید کبیری مقررات و ضوابط سخت آموزشی به منظور جلوگیری از فعالیت سیاسی دانشجویان و مشغول نمودن آنها وضع شده بود. ولی محمد که به حوسه مبدلت است هدف و محتوای چنین سیستم آموزشی اصلا "آسان" تربیت و تأمین کادر فنی - اداری برای سرمایه‌داری وابسته ایران است؛ هرگز به این مقررات تن نداد و زیر بار چنین نظامی سرسخت و در همین سالها در دانشگاه شهید سرچشمه‌ترین سرگوب و عتقان شهید حاکمیت داشت. اما، برادرشید ما با انتخاب راه مبارزه شرافتمندانه خویش نه تسلیم دیکتاتوری خون آشام و جفاکوب سرگوب آن نشد و نه فریب برنامه‌های اصلاح رفاهی و بورسیه و کتک‌های مالی آنها را خورد. و عین تربیت با گذشتن فعالیت سیاسی خود در دانشگاه، دست محکمی به دهان رژیم سردرهمی "سازش با ناپودی" قرار داد. زود، اما اینکه بالاخره محمد همراه چند تن دیگر از همفکرانش دستگیر شد و در سواحل خلیج فارس محکوم شد.

مجاهد شهید محمد حسن خیابانی

در سال ۱۳۳۳ در یک خانواده متوسط در تبریز متولد شد. او دوران دبیرستان را در تبریز گذراند. در دوران دبیرستان در محافل سیاسی - مذهبی شرکت میکرد و صلح آگاهی خود را بالا میبرد و در عین حال از نزدیک با مردم روبرو شده و فقر ناشی میگرفت و مادرش های آنها در جریان زندگی رفت بارزبان، آشنا شد. سال ۵۱ وارد دانشگاه شهید شد و در آنجا تحصیل کرد. در دانشگاه شهید کبیری مقررات و ضوابط سخت آموزشی به منظور جلوگیری از فعالیت سیاسی دانشجویان و مشغول نمودن آنها وضع شده بود. ولی محمد که به حوسه مبدلت است هدف و محتوای چنین سیستم آموزشی اصلا "آسان" تربیت و تأمین کادر فنی - اداری برای سرمایه‌داری وابسته ایران است؛ هرگز به این مقررات تن نداد و زیر بار چنین نظامی سرسخت و در همین سالها در دانشگاه شهید سرچشمه‌ترین سرگوب و عتقان شهید حاکمیت داشت. اما، برادرشید ما با انتخاب راه مبارزه شرافتمندانه خویش نه تسلیم دیکتاتوری خون آشام و جفاکوب سرگوب آن نشد و نه فریب برنامه‌های اصلاح رفاهی و بورسیه و کتک‌های مالی آنها را خورد. و عین تربیت با گذشتن فعالیت سیاسی خود در دانشگاه، دست محکمی به دهان رژیم سردرهمی "سازش با ناپودی" قرار داد. زود، اما اینکه بالاخره محمد همراه چند تن دیگر از همفکرانش دستگیر شد و در سواحل خلیج فارس محکوم شد.

مجاهد شهید محمد حسن خیابانی

در سال ۱۳۳۳ در یک خانواده متوسط در تبریز متولد شد. او دوران دبیرستان را در تبریز گذراند. در دوران دبیرستان در محافل سیاسی - مذهبی شرکت میکرد و صلح آگاهی خود را بالا میبرد و در عین حال از نزدیک با مردم روبرو شده و فقر ناشی میگرفت و مادرش های آنها در جریان زندگی رفت بارزبان، آشنا شد. سال ۵۱ وارد دانشگاه شهید شد و در آنجا تحصیل کرد. در دانشگاه شهید کبیری مقررات و ضوابط سخت آموزشی به منظور جلوگیری از فعالیت سیاسی دانشجویان و مشغول نمودن آنها وضع شده بود. ولی محمد که به حوسه مبدلت است هدف و محتوای چنین سیستم آموزشی اصلا "آسان" تربیت و تأمین کادر فنی - اداری برای سرمایه‌داری وابسته ایران است؛ هرگز به این مقررات تن نداد و زیر بار چنین نظامی سرسخت و در همین سالها در دانشگاه شهید سرچشمه‌ترین سرگوب و عتقان شهید حاکمیت داشت. اما، برادرشید ما با انتخاب راه مبارزه شرافتمندانه خویش نه تسلیم دیکتاتوری خون آشام و جفاکوب سرگوب آن نشد و نه فریب برنامه‌های اصلاح رفاهی و بورسیه و کتک‌های مالی آنها را خورد. و عین تربیت با گذشتن فعالیت سیاسی خود در دانشگاه، دست محکمی به دهان رژیم سردرهمی "سازش با ناپودی" قرار داد. زود، اما اینکه بالاخره محمد همراه چند تن دیگر از همفکرانش دستگیر شد و در سواحل خلیج فارس محکوم شد.

مجاهد شهید محمد حسن خیابانی

در سال ۱۳۳۳ در یک خانواده متوسط در تبریز متولد شد. او دوران دبیرستان را در تبریز گذراند. در دوران دبیرستان در محافل سیاسی - مذهبی شرکت میکرد و صلح آگاهی خود را بالا میبرد و در عین حال از نزدیک با مردم روبرو شده و فقر ناشی میگرفت و مادرش های آنها در جریان زندگی رفت بارزبان، آشنا شد. سال ۵۱ وارد دانشگاه شهید شد و در آنجا تحصیل کرد. در دانشگاه شهید کبیری مقررات و ضوابط سخت آموزشی به منظور جلوگیری از فعالیت سیاسی دانشجویان و مشغول نمودن آنها وضع شده بود. ولی محمد که به حوسه مبدلت است هدف و محتوای چنین سیستم آموزشی اصلا "آسان" تربیت و تأمین کادر فنی - اداری برای سرمایه‌داری وابسته ایران است؛ هرگز به این مقررات تن نداد و زیر بار چنین نظامی سرسخت و در همین سالها در دانشگاه شهید سرچشمه‌ترین سرگوب و عتقان شهید حاکمیت داشت. اما، برادرشید ما با انتخاب راه مبارزه شرافتمندانه خویش نه تسلیم دیکتاتوری خون آشام و جفاکوب سرگوب آن نشد و نه فریب برنامه‌های اصلاح رفاهی و بورسیه و کتک‌های مالی آنها را خورد. و عین تربیت با گذشتن فعالیت سیاسی خود در دانشگاه، دست محکمی به دهان رژیم سردرهمی "سازش با ناپودی" قرار داد. زود، اما اینکه بالاخره محمد همراه چند تن دیگر از همفکرانش دستگیر شد و در سواحل خلیج فارس محکوم شد.

مجاهد شهید محمد حسن خیابانی

در سال ۱۳۳۳ در یک خانواده متوسط در تبریز متولد شد. او دوران دبیرستان را در تبریز گذراند. در دوران دبیرستان در محافل سیاسی - مذهبی شرکت میکرد و صلح آگاهی خود را بالا میبرد و در عین حال از نزدیک با مردم روبرو شده و فقر ناشی میگرفت و مادرش های آنها در جریان زندگی رفت بارزبان، آشنا شد. سال ۵۱ وارد دانشگاه شهید شد و در آنجا تحصیل کرد. در دانشگاه شهید کبیری مقررات و ضوابط سخت آموزشی به منظور جلوگیری از فعالیت سیاسی دانشجویان و مشغول نمودن آنها وضع شده بود. ولی محمد که به حوسه مبدلت است هدف و محتوای چنین سیستم آموزشی اصلا "آسان" تربیت و تأمین کادر فنی - اداری برای سرمایه‌داری وابسته ایران است؛ هرگز به این مقررات تن نداد و زیر بار چنین نظامی سرسخت و در همین سالها در دانشگاه شهید سرچشمه‌ترین سرگوب و عتقان شهید حاکمیت داشت. اما، برادرشید ما با انتخاب راه مبارزه شرافتمندانه خویش نه تسلیم دیکتاتوری خون آشام و جفاکوب سرگوب آن نشد و نه فریب برنامه‌های اصلاح رفاهی و بورسیه و کتک‌های مالی آنها را خورد. و عین تربیت با گذشتن فعالیت سیاسی خود در دانشگاه، دست محکمی به دهان رژیم سردرهمی "سازش با ناپودی" قرار داد. زود، اما اینکه بالاخره محمد همراه چند تن دیگر از همفکرانش دستگیر شد و در سواحل خلیج فارس محکوم شد.

مجاهد شهید محمد حسن خیابانی

در سال ۱۳۳۳ در یک خانواده متوسط در تبریز متولد شد. او دوران دبیرستان را در تبریز گذراند. در دوران دبیرستان در محافل سیاسی - مذهبی شرکت میکرد و صلح آگاهی خود را بالا میبرد و در عین حال از نزدیک با مردم روبرو شده و فقر ناشی میگرفت و مادرش های آنها در جریان زندگی رفت بارزبان، آشنا شد. سال ۵۱ وارد دانشگاه شهید شد و در آنجا تحصیل کرد. در دانشگاه شهید کبیری مقررات و ضوابط سخت آموزشی به منظور جلوگیری از فعالیت سیاسی دانشجویان و مشغول نمودن آنها وضع شده بود. ولی محمد که به حوسه مبدلت است هدف و محتوای چنین سیستم آموزشی اصلا "آسان" تربیت و تأمین کادر فنی - اداری برای سرمایه‌داری وابسته ایران است؛ هرگز به این مقررات تن نداد و زیر بار چنین نظامی سرسخت و در همین سالها در دانشگاه شهید سرچشمه‌ترین سرگوب و عتقان شهید حاکمیت داشت. اما، برادرشید ما با انتخاب راه مبارزه شرافتمندانه خویش نه تسلیم دیکتاتوری خون آشام و جفاکوب سرگوب آن نشد و نه فریب برنامه‌های اصلاح رفاهی و بورسیه و کتک‌های مالی آنها را خورد. و عین تربیت با گذشتن فعالیت سیاسی خود در دانشگاه، دست محکمی به دهان رژیم سردرهمی "سازش با ناپودی" قرار داد. زود، اما اینکه بالاخره محمد همراه چند تن دیگر از همفکرانش دستگیر شد و در سواحل خلیج فارس محکوم شد.

مجاهد شهید محمد حسن خیابانی

در سال ۱۳۳۳ در یک خانواده متوسط در تبریز متولد شد. او دوران دبیرستان را در تبریز گذراند. در دوران دبیرستان در محافل سیاسی - مذهبی شرکت میکرد و صلح آگاهی خود را بالا میبرد و در عین حال از نزدیک با مردم روبرو شده و فقر ناشی میگرفت و مادرش های آنها در جریان زندگی رفت بارزبان، آشنا شد. سال ۵۱ وارد دانشگاه شهید شد و در آنجا تحصیل کرد. در دانشگاه شهید کبیری مقررات و ضوابط سخت آموزشی به منظور جلوگیری از فعالیت سیاسی دانشجویان و مشغول نمودن آنها وضع شده بود. ولی محمد که به حوسه مبدلت است هدف و محتوای چنین سیستم آموزشی اصلا "آسان" تربیت و تأمین کادر فنی - اداری برای سرمایه‌داری وابسته ایران است؛ هرگز به این مقررات تن نداد و زیر بار چنین نظامی سرسخت و در همین سالها در دانشگاه شهید سرچشمه‌ترین سرگوب و عتقان شهید حاکمیت داشت. اما، برادرشید ما با انتخاب راه مبارزه شرافتمندانه خویش نه تسلیم دیکتاتوری خون آشام و جفاکوب سرگوب آن نشد و نه فریب برنامه‌های اصلاح رفاهی و بورسیه و کتک‌های مالی آنها را خورد. و عین تربیت با گذشتن فعالیت سیاسی خود در دانشگاه، دست محکمی به دهان رژیم سردرهمی "سازش با ناپودی" قرار داد. زود، اما اینکه بالاخره محمد همراه چند تن دیگر از همفکرانش دستگیر شد و در سواحل خلیج فارس محکوم شد.

مجاهد شهید محمد حسن خیابانی

در سال ۱۳۳۳ در یک خانواده متوسط در تبریز متولد شد. او دوران دبیرستان را در تبریز گذراند. در دوران دبیرستان در محافل سیاسی - مذهبی شرکت میکرد و صلح آگاهی خود را بالا میبرد و در عین حال از نزدیک با مردم روبرو شده و فقر ناشی میگرفت و مادرش های آنها در جریان زندگی رفت بارزبان، آشنا شد. سال ۵۱ وارد دانشگاه شهید شد و در آنجا تحصیل کرد. در دانشگاه شهید کبیری مقررات و ضوابط سخت آموزشی به منظور جلوگیری از فعالیت سیاسی دانشجویان و مشغول نمودن آنها وضع شده بود. ولی محمد که به حوسه مبدلت است هدف و محتوای چنین سیستم آموزشی اصلا "آسان" تربیت و تأمین کادر فنی - اداری برای سرمایه‌داری وابسته ایران است؛ هرگز به این مقررات تن نداد و زیر بار چنین نظامی سرسخت و در همین سالها در دانشگاه شهید سرچشمه‌ترین سرگوب و عتقان شهید حاکمیت داشت. اما، برادرشید ما با انتخاب راه مبارزه شرافتمندانه خویش نه تسلیم دیکتاتوری خون آشام و جفاکوب سرگوب آن نشد و نه فریب برنامه‌های اصلاح رفاهی و بورسیه و کتک‌های مالی آنها را خورد. و عین تربیت با گذشتن فعالیت سیاسی خود در دانشگاه، دست محکمی به دهان رژیم سردرهمی "سازش با ناپودی" قرار داد. زود، اما اینکه بالاخره محمد همراه چند تن دیگر از همفکرانش دستگیر شد و در سواحل خلیج فارس محکوم شد.